

تلاش رژیم برای جلب حمایت آمریکا

در ماه گذشته رژیم خمینی با اعزام رفسنجانی به چهار کشور لیبی، سوریه، چین و ژاپن به دنبال جلب حمایت برای گسترش روابط خارجی خود است. از مزه‌های اصلی رژیم - برای اینکار - است اهمیت این فعالیتها برای سران رژیم است. رفسنجانی از مسافرت خود به عنوان آغاز حرکت جدیدی در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی رژیم نام برده است.

یکی از اهداف مسافرت رفسنجانی تلاش برای جلب حمایت سیاسی و دیپلماتیک از مواضع رژیم در جنگ با عراق بود. جمهوری اسلامی اخیراً اینگونه تلاشها را بیشتر از قبل مورد توجه قرار داده و آمریکا با عملیات نظامی در حوضه‌های جنگ توأم ساخته است. شکست‌های بی‌دری نظامی رژیم، ناتوانی روزافزون آن در اعزام اجباری مردم به جبهه‌ها، گسترش موج لغت همکاران نظامی در جنگ افروزان در داخل کشور و غیره دلایل اصلی این تلاش رژیم است. در هرچه رفسنجانی با ریدیکولیزاسیون ارتجاعی رژیم و برپایش شرط‌های جنگ افروزان آن برای خاتمه جنگ تا کید کرده، و با ریدیکولیزاسیون مدام به عنوان پیش شرط صلح دم زدن درین حال تلاش کرده که موضع طلبانه جمهوری اسلامی را به تأیید رسمی رهبران این کشورها برساند. رفسنجانی پس از بازگشت از ژاپن در مجلس ارتجاع گفت: "ما در این سفر همسأله‌ای که مطرح کردیم همان گونه که می‌خواستیم پیش رفتیم". این گفته رفسنجانی در مورد جنگ کذب محض است و در این زمینه موفقیتی بدست نیاورد. رهبران سوریه - از تأیید رسمی موضع رژیم جمهوری اسلامی خودداری کردند. چین و ژاپن نیز هر یک به دلایل خاصی رژیم اسلامی را تا کام گذاشتند. رهبران جمهوری اسلامی تنها توانستند پیرامون با اصطلاح "اتحاد استراتژیک بالیبی" به هیاهوی عوام مغربیان بپردازند.

مسافرت رفسنجانی به سوریه در جریان برادرکشی فاجعه میزلبینان و گروگان‌گیری آمریکاییان در این کشور انجام گرفت. بدون شک این مسافرت که به دعوت حافظ اسد انجام پذیرفت، با جنگ ویا فاجعه خیرلبینان و با نقش ظفرقه‌آغا به جمهوری اسلامی در جنبش ملی این کشور و تقویت نیروهای "حزب الله" بر ضد وحدت و نفوذ نیروهای ملی و مترقی لبینان در ارتباط بوده است. نیروهای غذا میروالیست در ترقیخواه عرب هر روز بیشتر به نقش بسیار مخرب رژیم خمینی در جنبش خلفای فلسطین و لبینان و دیگر کشورهای عربی بی‌می‌برند و بطور فزاینده‌ای از این رژیم خونخوار فاشل‌می‌گیرند و آنرا زیر فشار قرار می‌دهند. اطلاعات موجود همین روند را در روابط سوریه با رژیم خمینی نشان می‌دهد. واقعیت این است که رژیم خمینی دوست سوریه نیست و تنها به شرایط مساعد و فرصت احتیاج دارد تا به تحریک دست‌ان‌خوان المسلمین و گروه‌های قشری ارتجاعی دیگر علیه دولت سوریه بپردازد.

بقیه در صفحه ۲

تدارک اعدام اعضا در بند کمیته مرکزی سازمان

شده و آنها و مجاهدین مبارزین آغشته است، بار دیگر آستین بالا زده تا حکم مرگ عده دیگری از مسئولین حزب توده ایران را امضاء کند. رفقای توده‌ای که در بدترین شرایط ممکن بسمی بر نورد و تحت ددمنشانه‌ترین انتقام مجوسی‌ها هستند، در پشت دیوارهای ظلمت و جهل و شکنجه، آماج اعدام قرار گرفته‌اند.

ما از همه سازمانها و احزاب ترقیخواه و میهن - پرست کشورمان دعوت می‌کنیم تا صدای اعتراض خود را علیه این سوطه خونین رژیم بلند کنند و برای جلوگیری از اجرای احکام صادره علیه فداییان و توده‌ایهای اسپر بکشند.

انتخابات ریاست جمهوری
و تحریم کنید!

مردم مبارز ایران!

با تحریم یکپارچه انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، مبارزه توده‌ای علیه آنسرا گسترده‌تر و نیرومندتر سازیم. خیمه شب بازی انتخابات را به صحنه افشای بی‌امان جنایات رژیم خمینی بدل کنیم. چهره آزادی‌کش سفاک، جنگ طلب و ضد مردمی رژیم رادربین مردم و در نظر جهانی‌ها هر چه بیشتر برملا سازیم.

این رژیم دشمن آزادی و دشمن مردم است تا این رژیم استبداد و ارتجاع برقرار است، هیچگاه آزادی واقعی و انتخابات واقعی آزاد وجود نخواهد داشت. حکومت مرگ خود را در انتخابات آزاد مردمی می‌بیند. فدائیان خلق ایران شمار ربه تحریم انتخابات ریاست جمهوری را دعوت می‌کنند.

بقیه در صفحه ۱۵

حزب کمونیست اتحاد شوروی
در تدارک کنگره ۲۷

در این شماره

- درس پیروزی از شکست تلخ - در صفحه ۱۲
- به مناسبت سالگرد کودتای تئین ۲۸ مرداد -
- تابودی حقوق زنان ایران در دهه زن! - در صفحه ۱۲
- بحران اقتصادی و سیاستهای ارتجاع - در صفحه ۸
- تشدید تهاجمات رژیم به کردستان - در صفحه ۱۲
- توطئه‌های رژیم علیه خلق بلوچ - در صفحه ۸
- پیشگام منتشرند - در صفحه ۱۲

رژیم ددمنش خمینی در تدارک جنایات جدیدی است. خبرهای رسیده از سارتگاههای رژیم گویای آن است که پشت درهای بسته، چپا رتن از اعدام کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را به اعدام محکوم کرده‌اند.

همچنین عده‌ای از مسئولین حزب توده ایران را به مرگ و حبس‌های سنگین محکوم کرده و احکام صادره را برای تأیید به "شورای عالی قضایی" ارسال داشته‌اند.

با اینکه بیش از چهار سال از بازداشت برخی از رفقای اسپرمانه دست رژیم می‌گذرد، تا امروز هم این رفقا همچنان زیر شکنجه‌های شدید جسمی و روانی قرار دارند. دژ خمیان طی این مدت با زیر پا گذاشتن همه موازین انسانی و اعمال شکنجه‌های مداوم جسمی و روانی تلاش کرده‌اند تا آنرا با جزاوند آورد و به سازمان فریب وارد آورند. اما با بیداری و ایستادگی رفقا، عزم بولادین شان در دفاع از آزادیهای طبقه کارگر و توده‌های رنجبر و شعله‌های خشم‌رگین آنها علیه نابودکنندگان انقلاب بهمن و پیران کنندگان میپشان، تلاشهای دژ خمیان را با شکست روبرو ساخت و آنها را در رسیدن به هدفهایشان تا کام کرد.

"قانون احیاء و واگذاری اراضی مزروعی"
سند دشمنی رژیم با دهقانان

قانون احیاء و واگذاری اراضی مزروعی - مصوبه ۲۹ اردیبهشت ۶۴ مجلس حکومتی در چارچوب لایحه ارتجاعی "حدود و شیوه‌های فعالیت بخش خصوصی" تنظیم شده و مکمل آن است. این قانون که سبباً در خدمت تشبیت و تضمین مالکیت و منافع بزرگ مالکان قرار داده و در بدین حال سران جمهوری اسلامی برای جلوگیری از اختلال در نظام و به حکم ضرورت "مجبور شده اند در مورد زمینهای مساحتهای اول انقلاب که در تصاحب دهقانان است (کشت موقت) دست به ممانورهای بزنند تا به خیالی خود، بگفته‌ای "بی‌خطر" از کثرت این "معطل" بگذرند.

در ماده ۱ قانون مورد بحث ادعا شده است که طرح "احیاء و واگذاری اراضی مزروعی"، "بمنظور رسیدن به خودکفایی" و "بهره‌برداری صحیح از اراضی مزروعی ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت" و "جلوگیری از هجرت بی‌رویه روستاییان" تهیه و تنظیم شده است!

بقیه در صفحه ۲

یک هفته تظاهرات مردم مشهد علیه جنگ و رژیم

در این تظاهرات فداییان خلق در میان مردم بودند، بطور فعال در تظاهرات شرکت داشتند و در هدایت آن بیکپارچه کوشیدند. تظاهرات زمانساز آغا زشدکه عده‌ای از ما موران گشت نهی از متکرر در پاساژ مطنطنیه در خیابان احمدآباد، قصد داشتند، حجاب به همراه خود به کمیته ببرند. این زن در مقابل زنی را که مشغول خرید بود، "جرم" عدم رعایت به ما موران حکومتی ایستاد و از رفتن امتناع کرد و به آنها اعتراض نمود. مشا جره با لاکرت و عده‌ای از عابریین جمع شدند و نسبت به برخورد با سداران اعتراض کردند و مناسبت از آن شدند که ما مورین زن بقیه در صفحه ۵

مردم مبارز مشهد در اردیبهشت ماه امسال، با تظاهرات وسیع چندروزه علیه جنگ و رژیم جاشهره رتادتهای خود در سال ۵۷ علیه رژیم ضد مردمی شاه رازنده کردند. مردم خسته و بی‌بازار از جنایات گوناگون رژیم، در اعتراض به حرکات و اعمال ضد مردمی و ارتجاعی ارتکانهای سرکوبگر حکومت به خیابانها ریختند و با شعارهای "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر سدار و شعارهای ضد جنگ خشم و نفرت خویش را از آسایشهای ارتجاعی رژیم و ادامه شبکهارانه جنگ ابراز داشتند.

بقیه در صفحه ۲

"انقلاب ایدئولوژیک" یا
واپسگرایی ایدئولوژیک؟
در صفحه ۶

پیرامون
تشکلهای دهقانی
در صفحه ۲

علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزیم!

تلاش رژیم برای جلب حمایت آمریکا
مسافرت رفسنجانی - به بین و ژاپن از این نظر اهمیت دارد که در چارچوب سیاست درهای باز رژیم صورت می گیرد و اهداف سیاسی آن نیز غلبه بر انزوای سیاسی رژیم در صحنه بین المللی و جلب حمایت این کشورها به حمایت از رژیم ایران در جنگ و گسترش مناسبات اقتصادی با آنها است. دولتهایی که خود را در همه عرصه ها در کنار رژیم قرار می دهند و متحدان تلقی می شوند انگشت شمار است. اما ما این وضعیت به سود حکومت در آن طریق کامل با منافع بورژوازی حاکم نیست، از این رو سران رژیم خواهان خروج از آن هستند و سیاست درهای باز نیز در خدمت گسترش این تلاشها است. سیاست درهای باز "سیاست تحکیم و توسعه روابط با دولتهای سرمایه داری و بطور مشخص دول امپریالیستی است. یکی از مظاهر این سیاست احیای کامل پیمان آ.سی.دی است. در احرار این همین سیاست است که رژیم تلاش کرده و می کند که روابط خود را با عربستان سعودی نرمش کند. مسافرت وزیر خارجه عربستان به ایران نتیجه این تلاش و تخطئه ظنی در روابط دوزیم است. همانطور که تلاشهای رژیم برای نزدیکی با شیوخ مرتجع برای همکاری با شورای خلیج فارس در همین راستا است. با زمینهای دلیله است که جمهوری اسلامی به تلاش وسیع برای بهبود رابطه سیاسی با فرانسه پرداخته و حاضر است در صورت قطع حمایت آنها قرار نگیرد از عراق امتیازاتی را که به آلمان و ژاپن، انگلستان و دیگر دول امپریالیستی داده به امپریالیستی فرانسه نیز تقدیم کند. اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد تلاشهای تازه رژیم برای تجدید روابط دیپلماتیک با امپریالیسم آمریکاست. رفسنجانی هم در چارچوب هم در ژاپن اعلام کرد: "با اینکه آمریکا به ایران ظلم و ستم روا نموده است، ایران مال نیست و روابطش

با آمریکا تا ابد قطع بماند، آمریکا با بیدقما و ل را برادر دیده ایران اطمینان خاطر بدهد که از اقدامات تجاوزکارانه دست کشیده است تا زمینه آماده کند ولی این مدتی طول خواهد کشید". اعلام حمایت جمهوری اسلامی برای تجدید رابطه سیاسی با امپریالیسم آمریکا در مطبوعات غرب انگلیس گسترده ای یافت ولی مطبوعات دولتی گویند که این ساله از مردم پنهان بماند. سران خائوس رژیم هنوز از مردمی ترسند و از نفرت آنها از آمریکا از امپریالیسم آمریکا و از اجابت مناسبات ظالمانه با آن اطلاع دارند. به همین دلیل نیز رفسنجانی نظیر آمریکا را به این نکته جلب کرده است که تجدید مناسبات با این کشور "مدتی به طول خواهد انجامید" سران جمهوری اسلامی چنین مدتی را برای فرا هم آوردن زمینه لازم جهت تجدید مناسبات با آمریکا لازم دارند. موضع اخیر سران رژیم در برابر آمریکا گام بلند دیگری است که آنها برای جلب اعتماد و حمایت سردسته غارتگران جهان برداشته اند. اینک رفسنجانی آشکارا و عربیان از نزدیکی با امپریالیسم آمریکا صحبت می کند بخود می گویند که ما با هدیه او و همبستگی ها پیش تا حدود زیادی "زمینه لازم را فراهم کرده اند، طبیعتا سرکوب بی امان جنسیت مردمی و نیروهای کمونیست و ترقی خواه ایران، سطره کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و فراهم شدن شرایط مساعد برای غارتگری انحصارات امپریالیستی، احیای مناسبات با امپریالیستها و دول دست نشانده آنها، دامین زدن به هیستوری ضدشوری، مهاجرت خاندانهای در اقلیت، نهادن امر جنگ امپریالیسم افروخته و غیره "زمینه ساز" اصلی احیای دوستی و اتحاد با آمریکا است. آمریکا این اقدامات را که برای منهدم کردن رژیم ایران شده است. آمریکا اطمینان دارد که رژیم خمینی با زهم زمینه های مناسب تری فراهم خواهد کرد. مقامات ژاپنی که به تمایل سران رژیم و تداوم آنها به همکاری، ژاپن آگاه بودند از رفسنجانی به گرمی

استقبال کردند، آنها انجمن دوستی پارلمانت ایران و ژاپن درست کردند، بیشتر جلسات مرتب در سطوح زیران در کشورها دادند، با زنگنه کارشما ن ژاپنی به ایران موافقت کردند و وعده های کمک همه جانبه به جمهوری اسلامی دادند آنها وعده دادند که انحصارات ژاپنی را به خرید نفت بیشتر از ایران شویق کنند. وعده های مقامات ژاپنی در واقع پاسخ مثبت امپریالیسم به تمایلات فدملی سران رژیم و به سیاست خارجی درهای باز آنها است. توافق مقامات ژاپنی و رفسنجانی سندهای وابستگی اقتصاد ایران را به امپریالیسم محکم تر از گذشته خواهد کرد و موقعیت انحصارات ژاپنی را در اقتصاد ایران بیش از پیش تحکیم خواهد بخشید. در نتیجه ما در ژاپن به ایران نگاه مروجیه حدود ۳ میلیارد دلار رسیده است با زهم توسعه خواهد شد. یافتن بازار ایران به فرقه کالاهای ژاپنی تبدیل خواهد گشت. تلاشهای اخیر رژیم، که رفسنجانی آنها "جدید" می نامد، نه جدید است و نه ناگهانی. این فعالیتها دقیقاً در راستای سیاست خارجی ارتجاعی و فدملی رژیم و اشکالی از دست و پانزدهای ژاپنی است. آن برای جستن راهی جهت خروج از حران و سن پست جنگ. جلاد چهارم را با علم ریش ریش شده "سه شرقی، نه غربی" چهارم را به پیشگاه غرب و به سوی شیطان بزرگ می تازد. شیطان کوچک دست خود را به سوی شیطان بزرگ دراز می کند تا علیه مردم و میهن ما با آن پیمان ببندد. البته سران رژیم از هر اسامی مردم بر تنبها ریه ای خود حساب می کنند و می گویند خدایا تنها پیمان بنها را بماند، اما دیگر حنا می فریستد ریه ای آنها رنگی ندارد. مردم به اندازه ای که برای محکوم کردن سیاستها و تلاشهای ارتجاعی رژیم و صدور حکم نابودی آن دلیل در اختیار دارند.

سندستنی رژیم
این اولین بار نیست که سردمداران رژیم فریبکارانه و وقیحانه چنین ادعاهایی می کنند، لیجادهای که برای اعتراف از منافع غارتگران بزرگ مالکان و مقابله با دهقانان زحمتکش است، قانونی که مالکیت بزرگ مالکان بر میلیونها هکتار زمین با بزرگ راسمیت بخشیده است، جرفش و محرومیت اکثریت عظیم دهقانان و مشرکان مالکیت و شروت در دست عده ای محدود، هیچ حاصل دیگری نخواهد داشت. اجرای این قانون مناسبات ثقیب مانده و ارتجاعی ارباب - رعیتی و فئودالیستی را گسترش می دهد و استثمار دهقانان و خانه خرابی آنها را تشدید می کند. ماده ۵ قانون مورده بحث، مالکیت بزرگ مالکان بر زمینهای با بزرگ راسمیت شناخته و "دوستانه" و مصیبانه آنها را غیرمجاز می کند و اقدامات فدمردمی و فنددهقانان، چه فراری وجه غیرفراری، دعوت کرده است که برای کشت زمینهایشان بازگردند. علاوه بر این، تبصره ۲ ماده مورده بحث دولت را موظف ساخته تا چنانکه مالکین اراضی با برافراشتن مالی و وسایل باشند، امکانات لازم را در اختیارشان قرار دهد تا به کشت بپردازند. در صورتی که اقدام به کشت ننمایند، ملزم به فروش یا اجاره یا مزارع زمین با بر خود هستند. بدین ترتیب ماده ۵ بزرگ مالکان را که تاکنون جرات نمی کردند زمینهای با بر را به دهقانان اجاره و یا مزارع دهند مجاز به انجام این کار داشته و آنها را مورد حمایت قرار می دهد. بنا بر این بزرگ مالکان بدون دغدغه خاطر، بیسبب حفظ مالکیت خود، در هر جا که خواستند، سکونت می کنند و همان روشهایی که سابقا ن سسال شیره جان دهقانان را می بکشد، دسترنج آنها را غارت می کنند. اشاره به شق فروش در این بند عوام فریبی است. چطور ممکن است بزرگ مالکانی که با حفظ مالکیت خود امکان اجاره و مزارع زمین با بر را یافته اند آنرا به دهقانان بفروشند؟ از اینها گذشته، دهقانان محروم و زحمتکشی که آه در بساط ندارند، چگونه قادر به خرید زمینهای بزرگ مالکانند؟

رژیم مجبور شده است تا برای جلوگیری از اعتراضات و مبارزه گسترش یافته دهقانان، بزرگ مالکان را متقاعد کند تا در مقابل تضمین مالکیت آنها در همه عرصه ها به اجاره، مزارع یا فروش، بخششی از زمینهای "کشت موقت" با هزاران اما و گزینی دهقانان رضایت دهند. تا بزرگ مالکین کمیسیون خاص بررسی قانون مورد بحث، در مجلس اعتراف کرده که "کمیسیون زمینهای خود بررسی نمود که امکان پس گرفتن زمینها وجود ندارد، چون هم نظریه که آقایان می دانند، یکی از شرایط نظر را اختلال در نظام است که بالاتر از عسرو حرج است" (اطلاعات ۳۰ اردیبهشت ۶۲). این اعتراف بخوبی روشن می کند که رژیم ارتجاعی مقاومت و مبارزه دهقانان ناچار شده است. به حکم ضرورت در این مورد عقب نشینی کند. مبارزه اوچ با بنده دهقانان، سردمداران رژیم را به وحشت انداخته و آنها را مجبور کرده است برای جلوگیری از "اختلال در نظام"، که بالاتر از عسرو حرج است، تن به چنین کاری دهند. با اینهمه تبصره های ۱ و ۲ و بندهای "الف"، "ب" و "د" تبصره ۳ این ماده، هنگامی در خدمت بزرگ مالکان برای پیدا کردن راههای "قانونی" فرار از اجرای آن است. اشاره به فروش زمینهای "کشت موقت" در کردستان در این ماده، جنبه تبلیغی داشته و فاقد هرگونه مضمونی است. این مانور رژیم در خدمت باز کردن جای پای در کردستان و با ملاحظه خشنی ساختن نیروهای ملی و ترقی خلق کرد است.

ماده ۷، ارتجاعی ترین و فنددهقانی ترین ماده این قانون است. این ماده تصریح می کند که "اراضی دایری که در تاریخ تصویب این قانون در اختیار مالک است، که مالکان در اختیار مالک باقی خواهد ماند... توجه به این نکته ضروریست که بخش اعظم زمینهای دایری بزرگ (بیش از ۳ میلیون هکتار)، هم اکنون در دست بزرگ مالکان است و زمینهای کشت موقت باقی مانده بخش بسیار ناچیزی از مجموع زمینهای بزرگ مالکان را تشکیل می دهد. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، بنا به ماهیت خویش بطور آشکار، حمایت همه جانبه از بزرگ مالکان و فدیت با منافع و مصالح دهقانان زحمتکش را اعلام داشته است. ماده هفت حاکی از مخالفت سران جمهوری اسلامی با اصلاحات ارضی و صاحب زمین شدن دهقانان زحمتکش بوده و قصد رژیم منسب بر بسط ساختن بزرگ مالکان، فئودالها و خانها، بر زمینهای خودهای دهقانان و قانونیت بخشیدن بر استثمار و وحشیانه آنها را ش می سازد. تبصره های و گوناگون این ماده، با مالکیت بزرگ

ماده ۶ به زمینهای دایری بزرگی اختصاص دارد که پس از انقلاب تا سال ۱۳۵۹ دیر بر سر کشور و تا سال ۱۳۶۳ در کردستان در اختیار غیر مالک قرار گرفته و کشت شده است (کشت موقت). سران جمهوری اسلامی که پس از انقلاب بیسبب "اعتراض" بزرگ مالکان نسبت به ما در بخششی از زمینهایشان توسط دهقانان مواجه بودند، مالکیت دهقانان بر این زمینها را به رسمیت نشناخته و اینگونه زمینها را بلا تکلیف اعلام کردند و تعیین تکلیف آنها را به دادگاههای "انقلاب" محول نمودند. دادگاهها ریه های "انقلاب" توسل به سرکوب و دستگیری و زندان دهقانان زحمتکش به بزرگ مالکان برگردانند. رژیم که با اعتراض دهقانان مواجه بود، همه ساله هنگام فصل کشت اجباراً با صدور بخشنامه ای "اجازه کشت" موقت این زمینها را به دهقانان می داد. اکنون

ماده ۱۲ آمده است که: "زمینهای مشمول واگذاری در این قانون حسب مورد، بعنوان اجاره مزارع، فروش، ... در اختیار رواجین شرایط قرار می گیرد". براساس این ماده اراضی موات و اراضی دولتی که در واقع قانون، واگذاری آنها به دهقانان را مورد نظر دارد، به صورت اجاره و مزارع و نه پانزده فروش، بسته به "مورد"، در اختیار دهقانان قرار می گیرد، یعنی دولت مثل فئودالها خود زمین را به اجاره می دهد و با دهقانان قرارداد امزاعه می بندد. شق فروش بدلیل تهیدستی دهقانان نتیجه عملی قابل توجهی ندارد. آنها که قادر به تأمین حداقل معیشت خویش نیستند، چگونه می توانند وجهی بابت خرید زمین پرداخت کنند. بندهای مورده در این قانون ارتجاعی و فنددهقانی "احیا و واگذاری اراضی مزروعی" بیسبب است. همجانیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از بزرگ مالکان و کوشش در جهت تثبیت و تحکیم موقعیت آنان به قیمت خانه خرابی میلیونها دهقان زحمتکش و ورشکستگی اقتصاد دکن و زری کشور است. در این قانون هیچ حرف و صحبتی از واگذاری زمینهای دایری بزرگ مالکان (بنده "ج" سابق که بعداً منسب "د" و اکنون فریبکارانه به بنده "ه" تبدیل شده)، در میان نیست و مالکیت بزرگ مالکان بر میلیونها هکتار زمین دایری بزرگ دست نخورده باقی مانده است. سران رژیم با تنظیم و تصویب این قانون بیعت ارتجاعی و فنددهقانی، بر آنند تا دست بزرگ مالکان را برای استفاده از روشهای عقب مانده تولید زراعی و استثمار و وحشیانه دهقانان زحمتکش، بازگردد.

از سران فراری و از ارتشیان و سپاهیان مخالف جنگ حمایت کنید
سازمان فدائیان خلق ایران (انترنیت)

هم میهنان!
راه پایان دادن به جنگ گسترش اعتصابات و تظاهرات شماست
سازمان فدائیان خلق ایران (انترنیت)



پیرامون تشکلهای دهقانی

سازمان یا بسی دهقانان زحمتکش در تشکلهای مستقل خویش برای پیشبرد موثر مبارزه آنان علیه بزرگ مالکان و دیکر فئادها و بزرگان و بهره‌کشان و علیه رژیم ارتجاعی هر روز اهمیت و فوریت بیشتری می‌یابد. واقعیت این است که تسلط طولانی رژیم ارتجاعی و استبداد بی‌رحمین ما، سبب گردیده که روستاهای کنونی فقدان وضع چشمگیر سازمان‌های دموکراتیک واقعی مواجه شوند و دهقانان از تجربه و آگاهی کمی نسبت به این سازمان‌ها و اهمیت و تاثیر فعالیت سازمان یافته و متحد خود داشته باشند. تشکلهای قلابی حکومتی نظیر "خانه انصاف"، "خانه فرهنگ روستایی" و غیره رژیم گذشته و انواع و اقسام آنجنم‌ها و شوراهای من درآوردی و فرمایشی رژیم کنونی، در ذهن توده‌های دهقانان نسبت به تشکلهای واقعی اغتشاش افروخته است. از اینسوی کار کارگاه‌ها برای توضیح اهمیت و ضرورت تشکلهای واقعی دهقانان و وظیفه‌ای بسیار پر اهمیت است که باید بطور جدی به آن عمل شود.

اقتضای کار اینست که دهقانان در صورتیکه نتوانند تحولات قطعی در روستاها مواضع یکسانی ندارند. دهقانان کم زمین و بی زمین و تهیدست ما هیت با انجام تحولات قطعی در روستاها، در غلظ و محرومیت سالیان طولانی را بزرگوارید، آنها را بر سر توشه خودشان مسلط سازد و سازمان تولیدی نوینی را جانشین مناسبات کهنه کند، موافقت آنها متناسب با سطح رشد مبارزه‌شان، خواهان متشکل شدن در سازمان‌های خودمختار است. تحقق این خواسته‌ها مستند دهقانان میان حال نیزگه‌ها است. این فئادها در انجام این تحولات نهفته است، در صورتیکه منتقد عدولند، با آن سازگاری در نهایت نسبت به برخی از اقدامات بی تفاوت خواهند بود. دهقانان بر فیه (بورژوازی ده) با انجام محرومیت و محرومیت شده بطور نسبی و گاه مشروط موافقت نسبت به بعضی دیگر از آنها بی تفاوت و بی‌مایل خواهند شد. بنده باید بگویم که انقلاب درجه‌ای قرار دارد، رشد کیفی قادیها و قطب بندیها در روستا چگونه است و وظایف مشخص در آن مقطع کدام است، تشکلهای نسبت به سایر تشکلهای خودمختار چه عمده‌ترین وظایفی را بیشتر مصروف آن کرده، مثلا در آستانه انقلاب آنگاه که جنبش از آنجنان در تداوم تشکیلی برخوردار است که مداره زمینهای بزرگ مالکان توسط دهقانان بی زمین و کم‌زمین در دست‌تور قرار می‌گیرد. تشکلهای کمیته‌های انقلابی دهقانان زحمتکش بعنوان ارکان خلق مبارز بزرگ مالکان و واگذاری زمینها به دهقانان، بعنوان تشکلهای محوری اهمیت جدی می‌یابد. طبیعتا پس از پیروزی انقلاب روستای کار آمدن حکومتی انقلابی، ضرورت چنین تشکلهای خودمختار روستایی می‌شود. در صورتیکه وظایف خودمختار و جانشین آن می‌شوند.

در مقامی که جنبش روستایی عظیم است و مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و حاکمان آنها شدت می‌گیرد، تشکلهای صنفی - طبقاتی دهقانان زحمتکش نظیر اتحادیه‌ها که مبارزه آنها را علیه زورکشان و جفا و تکران سازمان‌های روستایی، پیش از سایر تشکلهای روستایی می‌یابد. بدین ترتیب وظیفه پیشرو است که با توجه به شرایط و امکانات هر مرحله از جنبش روستایی مناسب ویرانگری و مدت و بلندمدت دهقانان محروم و متحدرین طبقه‌ها را گرداند، محوری ترین تشکلهای روستایی در این دوران و اولاً تا مین کنند. منافع آنهاست و در نهایت بسیج کننده اقشار دیگر دهقانان حول خواسته‌های مشترکشان است، مشخص سازد و بیشترین انحراف خویش را مصروف شکل گیری آن کند.

توجه‌های این نکته ضروریست که ما نباید خود را به یک شکل از اشکال سازمانی محدود سازیم، بلکه باید از تشکلهای گوناگونی که برای اهداف خاص شکل می‌گیرند، حتی تشکلهای موقتی، به تناسب نقش و اهمیت آنها، سودجوییم و کوشش کنیم فعالیت آنها را در سمت اهداف معین و مرحله‌ای سمت دهیم.

شوراهای روستایی - شوراهای روستایی از مهمترین و عمومی ترین تشکلهای روستایی است. سمت عمومی و جهت عمده فعالیت شوراهای روستایی باید با شکلهای گوناگونی به نیا زهای عمده روستایی دهقانان باشد. شوراهای روستایی یک تشکل صنفی دهقانان نیست، وظایف آن با اتحادیه‌ها و تشکلهای متفاوت است و با آنها فرق دارد. همه اهالی روستا، صرف نظر از گرایش سیاسی و با ایدئولوژیک خود می‌توانند در آن عضویت یابند، از دهقانان و روستاییان و غیره و اینگونه. مصلحتین مدار روستایی و ... می‌توانند در شورا عضو شوند. شوراهای روستایی عمومی ترین خواسته‌های دهقانان را بنا به پیشنهاد آنها تصویب می‌کنند و در سازماندهی تحقق آنها می‌کوشد. شوراهای روستایی در دموکراسی روستایی می‌تواند رابطه بین روستاییان و ارگانهای حکومتی

را تا مین می‌کنند و زمینه‌ها را رکت دهقانان در امور خودشان را فراهم می‌سازند، این شوراها تصمیم گیرنده و اجرا کننده تدبیرهای اجرایی خواسته‌های گوناگون روستاییان آنها را بسیج می‌کنند.

اتحادیه‌های دهقانی - اتحادیه دهقانی تشکلهای صنفی - سیاسی است که دهقانان زحمتکش روستا، اشکال سیاسی آنها تشکیل می‌دهند. دهقانان میان حال در صورت پذیرش برنامه اتحادیه می‌توانند در آن عضویت یابند. اتحادیه دهقانی سازمانی است دموکراتیک و توده‌ای که دهقانان را برای تحقق خواسته‌های مشترک صنفی - سیاسی‌شان متشکل می‌سازد و نیروی آنها را بسیج می‌کند. نیروهای آگاه و با تجربه روستاها هسته اصلی اتحادیه دهقانی را تشکیل می‌دهند، ولی بهیچ وجه نباید اتحادیه دهقانی به افراد پیشرو خلاصه شود و از جایگاه یک سازمان دموکراتیک و فراگیر رشد بیشتر می‌گیرد. هر قدر که تشکلهای دهقانان رشد بیشتر می‌کنند میزان شرکت دهقانان در آن وسعت یابد، و خواسته‌ها و شعارهای رادیکال‌تری مطرح گردد، ترکیب طبقاتی اتحادیه‌های دهقانی رادیکال‌تری شود و وزن و نفوذ دهقانان محروم در آن افزون‌تر می‌گردد. کوشش ما همواره باید معروف آن باشد که نقل دهقانان زحمتکش را اتحادیه افزایش یابد، ولی این امر بهیچ وجه نباید محدود و کند شود. خلط دموکراتیک آن گردد.

اتحادیه دهقانی تشکل مستقل دهقانان است، مطالبات و خواسته‌های سیاسی - صنفی آنها را هماهنگ می‌سازد، اعتراضات و مبارزات دهقانان را علیه بزرگ مالکان و حاکمان آنها و برای تحقق سایر خواسته‌های روستایی وسیع تر از یک روستا سازمان می‌دهد و آنها را نسبت به حقوق و وظایفشان آگاه می‌کند. اتحادیه اشکال گوناگونی از مبارزه دهقانان را هدایت می‌کند و وظیفه راهنمایی سیاسی و کنترل گونگی فعالیت سایر تشکلهای روستایی را نیز بر عهده دارد.

مهمترین خصوصیت اتحادیه دهقانی، استقلال آن، داوطلبانه بودن عضویت در آن و ایجاد آن از پایین و توسط خود دهقانان است. اتحادیه می‌تواند دهقانان را یک یا چند روستا و یا حتی یک منطقه را که با یک مسأله صنفی خاص مواجهند متشکل سازد. اتحادیه توتونکاران، شالیکاران، جاپکاران و ... در تمام تشکلهای دموکراتیک روستایی اتحادیه، مستقلا توسط خود دهقانان انتخاب می‌شود و فقط در مقابل آنها پاسخگوست. اعضای رهبری اتحادیه در شرایط فعالیت علنی، معمولاً توسط مجمع عمومی که از گرد همایی همگی اعضای اتحادیه تشکیل می‌شود انتخاب می‌گردند. اعضا در مجمع عمومی خواسته‌های اساسی خود را مشخص می‌سازند و بر مبنای آن سیاستهای اتحادیه که هیات مدیره منتخب مسئول پیشبرد آن است، معلوم می‌شود. در شرایطی که امکان فعالیت علنی وجود ندارد، شوراهای رهبری، عناصر روستایی و دهقانان آگاه و با تجربه که دارای سابقه فعالیت در شوراها یا تشکلهای دیگر روستایی می‌باشند همواره مورد اعتماد دهقانان اند، بعنوان بخشی از رهبری اتحادیه‌های دهقانی متشکل شوند و دهقانان را برای تحقق خواسته‌هایشان بسیج کننده می‌شوند. تشکلهای متشکل و متحد سازنده روستاهای ضرور لازم را برای پیشبرد مبارزه آنها در هر مورد معین ببندند. مسلماً اختتام و فضا ضرورت دقت بیشتر، کار پر حوصله و روحیه‌ای افزون تر سردر راه سازمانی دهقانان را می‌طلبد.

تعاونی‌ها - تعاونی‌ها به مفهوم خاصی آن موسسات تولیدی و خدماتی غیر سرمایه‌داری اند که بر مبنای همکاری و همیاری داوطلبانه دهقانان در روستاها شکل می‌گیرند. تعاونی‌های واقعی با مشارکت مستقیم خود دهقانان ایجاد می‌شوند، آنها را می‌توان تشکلهای متشکل می‌کنند، بر زندگی روستا و کسب آنها اثر می‌گذارد، در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها موثر واقع می‌شوند و بدین لحاظ جزء تشکلهای دهقانی به حساب می‌آیند. در واقع تعاونی‌ها هم بعنوان یک تشکل وهم بعنوان یک موسسه با واحد اقتصادی، در بر سر می‌گیرند. تعاونی‌ها اولاً دوسته، تولیدی و غیر تولیدی (شامل تعاونی‌های مصرف، توزیع، فسرش، بازاریابی و انواع تعاونی‌های ابتکاری دیگر) تقسیم می‌شوند. در شکل گیری تعاونی‌ها بعنوان تشکلهای تولیدی - مصرفی، باید محتما به داوطلبانه بودن عضویت در آنها، تا مین سود متقابل جمع می‌شود و فردی اعضای آنها، تساوی حقوق اعضای تعاونی و با جدیت و توانی آنها، در ترین شکل به پیشرفته‌ترین نوع آن، از نقطه نظر میزان و درجه اشتراک در عوامل تولید، توجه کرد.

وضعیت شوراهای روستایی در شرایط کنونی : رژیم اعلام داشته است که حدود ۳۰ هزار "شورای اسلامی" در روستاها ایجاد خواهد کرد. تشکلهای دهقانی دهقانان روستایی در روستاها را برای سال اول انقلاب بر سر تراشیده عینی شکل گرفت و سرعاً گسترش یافت.

در بسیاری از روستاها، روستاییان خود را اقدام به تأسیس شوراهای روستایی برای حل و فصل امور خویش در همه زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی نمودند. برخی نهادها حکومتی نیز در آغاز در بعضی نقاط کشور در تأسیس شوراهای روستایی با روستاییان همکاری کردند. سازمان، یار تشویق دهقانان به ایجاد شوراهای و در سازماندهی آن در بسیاری از نقاط کشور دخالت و تاثير جری داشت. این شوراهای روستایی در صورت تریبون صورت وظیفه‌ها تا مین ارتباط بین نهادها حکومتی و روستاییان را بر عهده داشته و وظایف متنوع و گوناگونی را بر عهده روستاییان می‌گرفت. برخی از آنها حتی وظیفه‌ای در حد اتحادیه دهقانی را پیش می‌بردند و عده‌ای دیگر در حد انجام وظایف فرهنگی - مذهبی مورد نظر رژیم فعالیت می‌کردند. اعضای رهبری برخی از شوراهای صورت دموکراتیک و با انتخاب توده‌ها تعیین می‌شدند و عده‌ای دیگر توسط ارگانهای حکومتی بخصوص چهارم مرکز می‌شدند.

از همان ابتدا رژیم بطور همه جانبه می‌کوشید ماهر شوراهای را در اختیار بگیرد و همه شوراهای را بسط عوام خود بدلیل آزد، هر گاه دهقانان و اعضای شوراهای در مقابل این خواست رژیم ایستادند و مقاومت کردند، ارگانهای حکومتی خود را در این ساختن شورایی متناصب با سلطه خود ایجاد کردند. به جرات می‌توان گفت با استثناء صنایع کهنه مبارزات دهقانان رشد چشمگیر داشت، در مناطقی دیگر هیچگاه رژیم فرصت آنرا نداد تا شوراهای روستایی متضمن واقعی خود را باز یابد و سرانجام آنها را به عوامل اجرایی خود مبدل ساخت.

امروز شوراهای روستایی بطور عمده، تشکلهای حکومتی هستند که ایالات بد روستاییان تحمیل شده‌اند. اعضای شوراهای روستایی غالباً بطور مستقیم توسط ارگانهای گوناگون حکومتی و یا تا مین مقامات امنیتی محلی انتخاب می‌شوند. نقش مردم در این شوراهای بسیار ناچیز است و ارتباط جندانی بین شوراهای مردم و روستا وجود ندارد. شوراهای غالباً به ابزار عامل حکومت در روستاها مبدل شده‌اند و به طبع عملکرد و وظایف آنها نیز از حد اجرای باره‌ای از امور دولتی در روستاها فراتر نمی‌رود. ادارات گوناگون و ارگانهای مختلف شوراهای روستایی در رابطه با اجرای وظایف خود در روستاها سود می‌جویند و کساد این وظایف را به آنها محول می‌کنند. شوراهای نقش کدخداهای سابق و گاه "خانه انصاف" زمان شاه را بازی می‌کنند. در بعضی از روستاها حتی به آنها وظیفه تجسس و شناسایی افراد مبارز و کنترل رفت و آمد به روستاها و سر باز گیری، بسیج مردم برای نظرات حکومتی، فضا را برای شرکت در انتخابات فرمایشی گوناگون و غیره داده شده است. در هر گاه شورایی با این تحمیلات رژیم مخالفت کند و بر فضا را در آماج اتهام قرار می‌گیرد و بلافاصله برای انحلال آن اقدام می‌کنند. دهقانان نباید بدانند که واقعی خویش را انتخاب کنند، به درون شوراهای روستایی رخنه دارند آنها قاطعانه جلوگیری نمی‌کنند و جلوی تحمیل بندهکان حکومتی به شوراهای را بگیرند. شوراهای دهقانی باید مدافع دهقانان باشند، مدافع دولت و حکومت، دهقانان نباید تا تشکیک بر مبارزه و اتحاد خود عوام حکومت را از شوراهای بیرون بریزند و همه اقدامات ضد دهقانی شوراهای حکومتی و فرمایشی را افشاء و خنثی کنند.

باید گوشید تا شوراهای مردمی، یعنی شوراهای هنوز زنده بندگان آنها متوجه خود روستاییان هستند، خواسته‌ها و مطالبات آنها را تصدیق و برآورده می‌کنند، در مقابل فشارهای حکومت حفظ شوند. توجه به این امر ضروریست که مردم روستاها را بدلیل نیازهای روزمره و حل و فصل باره‌ای از امور زندگی خود گاه برای تا مین نیازهای تولیدی، اجباراً باید از کارکنان شوراهای روستایی حکومتی اقدام کنند. این امر بسبب شודה که همواره نوعی رابطه بین شوراهای روستایی و ساکنین روستا برقرار باشد و عملاً قطع چنین رابطه‌ای - برای دهقانان با مشکلات و موانع همراه است. اکنون تقریباً هیچ اقدامی از جانب روستاییان بدون مهرتایید شوراهای دهقانان پذیرفته نمی‌شود. تشکلهای روستایی در دهقانان باید نماینده‌های امر توجه کرد و ایستادگی در رابطه با عزم افشاکاری شوراهای حکومتی شوراهایی که مجری و کوشش فرمان رژیم حاکم بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران اند، مبدل ساخت.

تشکیل اتحادیه‌های دهقانی در حال حاضر بعنوان تشکل صنفی - سیاسی مستقل دهقانان ضروریست و باید در مرکز کوشش ما برای سازمان دادن دهقانان قرار گیرد. اکنون دهقانان بی زمین و کم‌زمین به اشکال گوناگون به مبارزه و مقابله با کمزورتی بزرگ مالکان و ارگانهای سرکوبگر رژیم پرداخته‌اند و شوراهای روستایی در همه عرصه به مجریسان

حقوق زنان از دید مرتجعان

حکام جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خویشی علیه زنان کشور از هیچ تسلای، دستاویزی و زینتی فریفتار نمی کنند. موضوع "حفظ حرمتیهای زن" و محملهایی از این دست همواره دستاویز بخش مهمی از سیاستها و اقدامات رژیم خمینی علیه زنان میهن ما بوده است. بیشترترین تبلیغات برای فریب زنده زنان و بیابال کردن حقوق آنان، در همین بسترجریان دارد. آنجا کسه مقصود، فریب زنان برای اعزام جکروکونهها بشان به قتلگاه جنگ در میان است و بیاصحبتت از رای و انتخابات است، برمداران رژیم و تمامی وعاظ و دستگاه تبلیغاتی آنان فریبگاران به مدح و شنای زن، و مقام والای مادری و نقش انقلابی اش برمی خیزند. "تلا لومجاهد و بزرگواری زنان ما" آنجند در خشنده است که پنشان نخواهند ماند "جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۲۲) اینها حرفهایی است که آقای رییس جمهور در آستانه تهاجمات فحیج "بدر" لازم دیدتکرارشان کند. و اما آنجا که صحبت از حقوق زنان و فعالیت اجتماعی آنان در میان است، همین "مقام والای مادری"، بیانه سران جمهوری اسلامی برای بیشترین و آشکارترین نقض حقوق انسانی و اجتماعی زن و نقشی و مقام او فرامی گیرد. خانه ای رییس جمهور رژیم، با بیثربمی تمام زنان میهن ما را زمینه اصلی برای فاسد شدن جامعه به حساب آورده و می گوید "اگر زن فاسد شود، نیازی به فاسد کردن مردها نیست؛ اگر زن یک نسل فاسد شود، نیازی برای سرما به گذاری نیست و حداکثر تا ۴۰ سال دیگر تمام افراد فاسد می شوند" (جمهوری اسلامی ۶۳/۱۲/۲۲) حقیقت آن است که رهبران نادان و بی فرهنگ و مرتجع رژیم خمینی، اندیشه ها، اسباب و نیست فاسدگشای خود را در خانه بزنان کشور ما نسبت می دهند. آنان در افکار تاریک خویش قبل از هر چیز به زنان در جابجوب غیرایزجیسی نگاه می کنند. مریدان ست اخلاقی تسبیح بدمت ششان

هم که با دیدن یک تار موی زن در حدیک نیمه حیوان تنزل می یابند، مدعی می شوند که "مردان" - در واقع مردانی از قماش خودشان - نسبت به محرکهای چشمی شیوت انگیز حاسن ترا ز زنان اند.!! (اطلاعات ۶۱/۷/۲۲)

سران جمهوری اسلامی در آنجا هم که بخواهند از زاویه انسان اجتماعی به زن نگاه کنند، از دیدگاه شان زن تنها برده است در خدمت اسباب حیواناتی چون مورسوران رژیم. آنها می گویند "زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد تسلیم نماید. اگر در این موارد شوهر اطاعت نکند، بر شوهر واجب نیست که غذا و لباس و مسکن و لوازم دیگر برای او تهیه کند" (توضیح المسایل خمینی) و آنجا کسه روزنامه رسمی جمهوری می نویسد: "زنی لعینتی است که هر کسی را از گرفت با بدبختی اندش... جمهوری اسلامی (۶۱/۱۲/۲۶) بوی تفغن این اندیشهها مشام هر انسان با فرهنگ را به شدت می آزارد.

رهبران شان و مرتجع رژیم، زنان را با نفی اساسی ترین حقوق اجتماعی، انسانی شان در جامعه فقر و تنگدستی زده ای که خود ساختند، می سازند. زنان را یک روز به بیانه نه حجاب، با اجابجی از این قبیل که "کار زن در کنار مردان، اندیشه سرمد مسلمان را دچار سوسه می کند" و روز دیگر به بیانه عدم رعایت سهرسبه اشتغال زن و هزاران مستحکم ریزودرشت دیگر از کار بیچارگان، با زحق تا میسند زندگی محروم می کنند. زنانی که پهرندلیل از خانه و همسرشان رانده می شوند و یا شوهرشان را در اجب از دست می دهند، خود گوندگان شان در جامعه سرگردان شده، برای شان و بخور و نمیزشان درمی مانده، بسیاری از این زنان بی خانه و گواشا نه برای امرای خود فرزندانشان، یا به نیروی کار بسیار ارزان تبدیل می شوند که کسه در مشاغل شاق و بیست جامعه تارک و بیستی استثمار می شوند و به هر چه آنها هم آخراج می کردند، یا برای روی می آزاوارگی و گرسنگی به همسر مردی چندزنده و عیاش تن درمی دهند و یا عده ای هم بناگزیر به خودفروشی روی می آورند.

در این میان قوانین و احکام رژیم خمینیستی

در رابطه با ازدواج، سیرت،... نیز با بیادترین وجه و نتایج ممکن در میان نازلی می شود: "هر مرد در آن واحد حق داشتن ۴ همسر رسمی و تعداد نامعلوم صیفه ای دارد"، زنی که صیفه شاکس آستین شود، از شوهر حق خرجی ندارد"، "زن صیفه از شوهر ارضی نمی برد"، "در صورت تولد از ازدواج صیفه ای، بدرهیج مسئولیتی درقبال آن نداشته و این فرزند را پدر ارضی نمی برد"، "هر کسی حق دارد حتی دختر را ۹ ساله را برای مدت چند روز یا چند ساعت به ازدواج موقت یا صیفه خود در آورده و سپس در جا صعد را بستر سازد؛ و بالاتر از رده زنی که برای "نواب" تشویق دختران جوان به صیفه درگاههای مدارس نیز تبلیغ می کنند.

اینک ماهیت و مقاصد تبلیغات دعاهای رژیم، مبتنی بر بقا بله با فساد و فحشا، هر چه بیشتر برای مردم آشکار شده است. جنجالهای دا منده را بر سر امور "حجاب" و اقدامات فدردمی اکیبها دستجات رنگارنگ ارتجاع در این رابطه، با انذار و اعتراض و مقابله روزافزون زنده ای مواجه است. تا خت، تا زهای و حشیانه اخبار با شان جا فوکش و میزده "حزب اللی" در پی تظاهرات کوی ۱۳ آبان "تحرار" با چنان واکنش خشم آلود مردم همراه شد که حکام رژیم آشکارا به هراس افتادند؛ لیکن این حرکات و اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه زنان تنها وجهی از چهره و سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی را درقبال زنان آشکار می سازد. با بدستگنها، تلاشهایی را که جهت انحراف افکار زنان و فریب مردم مستظرفر بیشتر مدتها در شهران مرتجع رژیم صورت می گیرد، هر چه بیشتر افشا و فحش می شود با بدستگن انظار و تولیدی اندیشه حاکم رژیم خمینی درقبال زن و مقام و تخصص و حقوق زنان در جامعه را به مردم نشان داد؛ با بدچهره و اقصی این مدعیان تقوی و پارسایی را برملا ساخت با بدنتش این رژیم را در کسترش روزافزون شاهی و فساد و فحشا، در کشور افشا، نمود و در پی انحراف افکار زنان و همه مردم کشور را برای سرنگونی رژیم فدردمی و استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی بسیج کرد *

بیرامونی شکلهای دهقانی

سیاستهای حکومت در روستاها تبدیل شده اند، ایجاد تاحادیه های دهقانی بعنوان شکل محوری در روستاها و برای هدایت مبارزه دهقانان، ضرورتی بیش از پیش یافته است. اتحادیه دهقانی - بیوه دهقانان امکان نمی دهد که از منافع طبقاتی خویش بخورد؛ هر چه در مقابل رزوکویان دفاع کنند و سیاستهای بی حق خویش را به کوهنای سازمان یافته و هماهنگ می گیرند. اتحادیه دهقانی تنها مختص مناطقی که در آنجا مبارزه حول زمین جا د است، نیست. اتحادیه دهقانی در همه روستاها می تواند شکل گیرد و متناسب با خواستهای دهقانان، وظایف خویش را در زمینه های سیاسی، تولیدی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، عمران و روستایی پیش برد. هسته اصلی اتحادیه دهقانی در هر روستا، در حال جا ضربا بد زنیروهای پیرو و مسازر روستا شکل گیرد. اتحادیه مرکز جمع همه نیروهای آگاه روستا است که در جهت مبارزه می کنند. اتحادیه با بدتسا در اتحادیه دهقانان را مستحکم سازد و وسیله طرح خواستها و سازماندهی مبارزه و اعتراض جمعی آنان گردد. اتحادیه دهقانی به روشهای کوناگون و مبتکرانه با بدنشوراهای روستایی تا تیرگذارد، آنها را در جهت خواستهای دهقانان ست دهد و دهقانان را به نظارت در امور شوراهای تشویق و ترغیب کند. اکنون بدلیل اختناق حاکم بر کشور، تشکیل اتحادیه های دهقانی از طریق تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیات مدیره امکان پذیر نیست. لذا باید هسته تدارک اتحادیه های دهقانی از نیروهای پیرو و مبارز روستا شکل گیرد و این هسته در جهت جذب نیروهای آگاه و مسازر روستا بکوشند. تشکیل فعالیت هسته جزیرا سا مخفی است و در نقاط مختلف بسته به اوضاع و احوال می تواند تحت پوشش یوشیهای گوناگون فعالیت کند و از کانالهای مختلف وظایف خویش را پیش برد. وظیفه اصلی هسته موردهجت، شرکت همه جانبه در مبارزه دهقانان در همه عرصه ها، و بهیروی آن و تدارک سازماندهی اتحادیه است. نیروهای پیرو و مبارز در روستا، جوانان روستایی و... بعنوان بخشی از روشهای اتحادیه می توانند اقدام به ایجاد آن نمایند و در جهت جذب زحماتگان و دهقانان بکوشند.

با بدتوجه داشت که اساس، مضمون فعالیت اتحادیه است؛ این مضمون را می توان تحت اشکال و اسامی گوناگون و با تکرار بی پیش برد، مثلاً می توان تحت پوشش و از طریق انجمنهای صنفی، ورزشی، و تشکلهای موفتی که برای سازماندهی خودیاری دهقانان در عرصه های مختلف ایجاد می شوند، در جهت ایجاد اتحادیه فعالیت نمود. با با خودفروغال در شورا تدریجا به فعالیت در مضمون اتحادیه ای داد. کام اول در ایجاد اتحادیه دهقانی آن است که هسته تدارک اتحادیه خودیدا ندجه می خواهد، باید برای هسته روشن باشد که با تا کید برجه مسا له ای وجه

خواستی و اتخاذ چه روشهایی بطور مختص، بیشترین امکان برای جلب اعتماد، سازماندهی و هدایت است. مبارزه دهقانان ممکن است، اساسی با بدتساواره خواستهای شخصی دهقانان باشد. مثلا اگر در منطقه ای مساه زمین جا د است و مبارز دهقانان در زمین وگرم زمین علیه بزرگ مالکان جریسان دارد، سازماندهی این مبارزه و شور و شورش بسیار دهقانان آکا هتبرای جگویی بیشتر و بدگیری آن تا حصول موفقیت، اقتضای فئودالی که با مسردم درگیر است و سابق آن، افشای ارگانهای سرکوبگر رژیم که به حمایت از بزرگ مالک بر ضد دهقانان، توضیحی در میان دهقانان مبنی بر ضرورت اتحادیه مقاومت مبارزه آنها، همچنین اشکاس اخبار این مبارزه به شیوه های مختلف به روستاهای دیگر، از جمله وظایف هسته است. اگر در منطقه ای مساه به تا مبن خدمات تولیدی برای دهقانان مساله مرکزی است و آنها به این کمیونده معترضند، هسته با بدتسه طر، مفتضی آنها را راهنمایی کند که چگونه باید خواست خویش را بر آورده سازند. اعتراض و مبارزه را از جگوا گونه شروع کنند و مقدمات جخواستهای مطرح سازند تا بدتسا بدترین نیروی دهقانان را بسیج کنند.

السته کافی نیست که اتحادیه تنها به مسایل و مشکلات منطقه ای و محلی خواستهای موفتی بسند کند، بلکه باید سرخواستهای عمومی و سراسری دهقانان کشور هموار را تا کید کرده و سیاستهای فدهقانسی رژیم را بطور داتکی افشا و رسوا سازد و ضرورت مبارزه با آنها مورد تکرار گردد.

تعاونی های روستایی موجود:

عمومی ترین شکل تعاونی های موجود در روستاها تعاونی های توزیع و مصرف روستایی است. این تعاونیها که حدود ۴ هزار واحد آن در روستاهاست مرکزی مشغول بکار است، توسط حکومت سازماندهی پس از فرم ارضی تحت سرپرستی وزارت تعاون و ادار روستا های آن زمان تا مسیس گردید و هیچگونه نقش و سهمی در مسایل سیاسی و اجتماعی روستایان نداشته و ندارند. پس از انقلاب تعداد معدودی (حدود ۲۵۰ تا ۳۵۰ واحد) به این تعاونی ها افزوده شد. این تعاونی ها بهیج وجه در جابجوب تشکلهای تولیدی و مصرفی موردهجت ما نمی کشند؛ زیرا صرفا نهادهای اقتصادی و حکومتی اند که دهقانان در ایجاد آنها سهم و نقشی نداشته و تنها در دو کارکنان آنها در واقع کارمندان دولت اند. توده های دهقانان در اداره و هدایت این تعاونی ها سهم و نقشی ندارند و فقط به صورت موری سهام آنسرا خریده اند و ظاهرا عضویت می دهند. در گذشته و به درجالیج فایده دموکراتیکی بر کار آنها و بر رابطه بین تعاونیها و افشای آن برقرار نشود و نیست.

با سها مدار کردن واقعی دهقانان و شرکت آنها در همه امور تعاونی های مزبور، تشکیل مرتب مجمع عمومی و انتخاب دموکراتیک و آزاد هیات مدیره و گرداندگان

آن از میان دهقانان، امکان تبدیل این نهادها به تعاونی های واقعی فراهم خواهد شد. علیرغم اینکه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت اشکار چنین تغییر و تحولی در تعاونی های مورد دست ز نخواهد داد، ولی ما از هیچ کوشش در جهت تحمیل اراده دهقانان زحمکش به این تعاونی ها، فروگا و نخواهیم کرد. نوع دیگر تعاونی ها "واحدتسای تولیدی مشاع" هستند که در واقع نوع ساده و ابتدایی تعاونی های تولیدی به حساب می آیند. رژیم مدعی است که ۱۰ هزار واحد جماعی بر روی زمینها و اگا داشته به دهقانان اعم از بیروموات در سراسر کشور ایجاد کرده است (اعشای واحدهای مشاعیبر ۳ تا ۱۰ نفر اند). تعداد زیادی از این واحدها با بیورش بزرگ مالکان به روستاها و با بدتسا روستا زمینها، از بین رفتند. علاوه آن دستا ز واحدهای مشاع که بر روی زمینهای موات تشکیل گردیده بودند نیز بدلیل غیراقتصادی بودن تولید و عدم رایبه خدمات تولیدی توسط رژیم، یک به یک منحلانی شدند.

سیاست ما در رابطه با واحدهای مشاع، تشویق دهقانان به شرکت و کار در آنهاست، زیرا کار در این تعاونی ها روحیه تعاون و همیاری و کار جمعی در میان روستایان را رشد می دهد و از این جهت باید مورد توجه قرار گیرد.

بسیجیگی و تنوع مسایل ارضی دهقانی ایجاب کند که تشکلهای نیروهای فعال در میان دهقانان، قدرتش استکسرا و خلاقتیش بیش از پیش داشته باشد. مرفقایی که در رابطه با دهقانان فعالیت می کنند باید قمر تبلیغ و ترویج بر تانه سیاست و شعارهای سازماندهی دهقانان را بطور خلاصانه با وضع منطقه فعالیت خود، تطبیق دهند و شعارهای بسیج گرانتاسه با مسایل محل به موقع طرح سازند و تبلیغ کنند و بر مبنای آنها به سازماندهی دهقانان زحماتگش باری را بسازند.

امروزه روستایی وسیع دهقانان از سیاستهای ارتجاعی و جنگ افزو از رژیم زمینه مناسبی برای بسیج و سازماندهی آنها در راه تحقیق خواستهایشان و علیه جنگ و رژیم فراهم می سازد میلیونها دهقان در نتیجه سیاستهای ارتجاعی و جنگ افزو از رژیم خانه خراب و آواره شده اند و عزیزان شان در تروتنو جنگ خمینی سوخته و می شوند. دهقانان تا شاهد برانی کشور و کشتار مردم به دست رژیم ارتجاع هستند و از این همه تشکیکاری متفرقند همه این واقعیتها شرایط را برای آن فراهم می سازد که مبارزه دهقانان هر چه بیشتر جنبه سیاسی بخود بگیرد و به تعالی پیش رود. کار سازماندهی در روستاها با بدتسا در همه این عرصه ها بهیج وجه امکان ندارد. در حال آماج عمده ما بسیج و سازماندهی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی است. *

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تدارک کنگره ۲۷

کمونیستهای اتحاد شوروی با شروع اشتیاق یک پاره کار استرگ برگزار می کنند ۲۷ کنگره حزب کمونیست که در اسفندماه سال برگزار می شود، میرسد از دست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به دلیل مسائل بسیار مهمی که می باید حل و فصل کند و بویژه به دلیل نقش که در تعیین خطوط اساسی پیشرفت آینده کشور بازی می کند، جاسای برجسته ای در حیات حزب و جامعه شوروی خواهد داشت. میخائیل گابریلوف، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در گزارشی خود به یلنوم اردیبهشت ماه کمیته مرکزی اظهار داشت: "بسیار هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی یک نقطه عطف در پیشرفت کشور خواهد شد، برجستگی کنگره در رابطه با مسائل راهمیتی است که برای بحث و بررسی پیشینیا شده است. مسأله حملت دوره جاری وظایف نزدیک و دورگه جامعه با آن مواجه است، این امر به تمام کارهای قبل از کنگره حزب یعنی ویژه ای می بخشند و درک عمیق از موقعیت کنش و توانایی، تصمیمات جورا نه و فعالیتهای پر انرژی می طلبد."

مردم اتحاد شوروی در شرایطی به استقبال بیست و هفتمین کنگره حزب می شانند که بر اثر رهبری دایمانه حزب کمونیست، جامعه شوروی به کامیابی های عظیمی نائل آمده است. در مهبند سوسیالیسم حق کار، مسکن، استراحت، خدمات رایگان پزشکی و آموزش معانی ستا می شده، زندگی مادی و معنوی زحمتکشان دایما بهبود می یابد. دمکراسی سوسیالیستی روز بروز گسترش یافته و مردم با خوش بینی و با اعتماد آینده زندگی می کنند. مردم اتحاد شوروی به این دستاورد های افتخار می نگرند و در راه حفظ و گسترش آن مبارزه می کنند.

درباره بردن نیروی عظیم سازنده ای که در اقتصاد عظیم به حزب امکان می دهد که دست یابی به مقام اول در پاره زدهی کار اجتماعی در سطح جهان را در دست بگیرد، قرار داده. برای رسیدن به این هدف می باید با سرعت و اکتفا دلی به آخرین دستاورد های علمی و فنی و تجهیز بی باک، اکنون مسأله شتاب بخشیدن به پیشرفت علمی و فنی، نو سازی دستگاه تولیدی کشور و استفاده هر چه مقرون به صرفه تر آن در مرکز توجه حزب قرار دارد. میخائیل گابریلوف در پاره اول سخنرانی خود در تدارک کنگره ۲۷ گفت: "اکنون مسأله اصلی این است: چگونه و به چه قیمتی کشور را در به شتاب بخشیدن به پیشرفت اقتصادی است؟ ما در پیولیت بسورو با در نظر گرفتن این سوال متفقا به این نتیجه رسیدیم که: امکان است و واقعی برای تحقق این امر وجود دارد. شتاب بخشیدن به نرخ رشد و پیشرفت بشرطی قابل دسترسی است که ما رشد عمیق اقتصاد و تسریع پیشرفت علمی و فنی را در گام اول تلاش ما قرار داده ایم. مدبریت، برنامهریزی، ساختار و سازماندهی و انضباط گذاری را با سازی کنیم، سازماندهی و انضباط ساخت بگیریم و اساسا شیوه فعالیت خود را اصلاح کنیم." میخائیل گابریلوف اظهار داشت: "حزب وظیفه تسریع اساسی پیشرفت علمی و فنی را بعنوان کلیه استراتژیک در اهرم توسعه اقتصاد دلی و کار بست بهترین نیروی انبیا شده را در نوبت نخست قرار داده است."

در پاره آخر حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شد که هم اکنون پیشرفت علمی و فنی به صورت کند و تدریجی و اغلب از طریق اصلاح تکنولوژی موجود و مدرنیزه کردن بخشی از ماشین آلات و تجهیزات است. پیش می رود. در حالی که می باید تسریع اساسی در تولیدات صورت گیرد و سیستم نوین تکنولوژی و آخرین دستاورد های فنی بکار گرفته شود و بخش های مختلف اقتصاد دلی بر اساس دستاورد های جدید علمی و فنی پایه ریزی گردد. مسأله مطرح در پاره اول اردیبهشت ماه نشان می دهد که حزب کمونیست اتحاد شوروی با سازی کیفی نیروهای تولیدی را بعنوان وظیفه مهم و قوری حزب تلقی می کند. به همین جهت در برنامه ۵ ساله اول و در برنامه دوره تا سال ۲۰۰۰، تسریع رونق و شتاب علمی و فنی و تجهیز سریع پیشرفته ترین تکنولوژی در تولید، شناسایی و برنامهریزی و نیز تغییر ساختار اقتصاد دلی در نظر گرفته شده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از جمع بندی دستاورد های دهه ای اخیر، به تئوری سوسیالیسم غنای بیشتری بخشیده است. حزب بر ارزیابی دقیق واقع بینانه از درجه رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی و بر طواری بودن دوره تاریخی تحول به سمت انسان کمونیسم تأکید دارد. حزب بر این باور است که در شرایط کنونی، تسریع اساسی در تولیدات و تسریع اساسی در تجهیز و مدرنیزه کردن بخش های مختلف اقتصاد دلی بر اساس دستاورد های جدید علمی و فنی پایه ریزی گردد. مسأله مطرح در پاره اول اردیبهشت ماه نشان می دهد که حزب کمونیست اتحاد شوروی با سازی کیفی نیروهای تولیدی را بعنوان وظیفه مهم و قوری حزب تلقی می کند. به همین جهت در برنامه ۵ ساله اول و در برنامه دوره تا سال ۲۰۰۰، تسریع رونق و شتاب علمی و فنی و تجهیز سریع پیشرفته ترین تکنولوژی در تولید، شناسایی و برنامهریزی و نیز تغییر ساختار اقتصاد دلی در نظر گرفته شده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از جمع بندی دستاورد های دهه ای اخیر، به تئوری سوسیالیسم غنای بیشتری بخشیده است. حزب بر ارزیابی دقیق واقع بینانه از درجه رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی و بر طواری بودن دوره تاریخی تحول به سمت انسان کمونیسم تأکید دارد. حزب بر این باور است که در شرایط کنونی، تسریع اساسی در تولیدات و تسریع اساسی در تجهیز و مدرنیزه کردن بخش های مختلف اقتصاد دلی بر اساس دستاورد های جدید علمی و فنی پایه ریزی گردد. مسأله مطرح در پاره اول اردیبهشت ماه نشان می دهد که حزب کمونیست اتحاد شوروی با سازی کیفی نیروهای تولیدی را بعنوان وظیفه مهم و قوری حزب تلقی می کند. به همین جهت در برنامه ۵ ساله اول و در برنامه دوره تا سال ۲۰۰۰، تسریع رونق و شتاب علمی و فنی و تجهیز سریع پیشرفته ترین تکنولوژی در تولید، شناسایی و برنامهریزی و نیز تغییر ساختار اقتصاد دلی در نظر گرفته شده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از جمع بندی دستاورد های دهه ای اخیر، به تئوری سوسیالیسم غنای بیشتری بخشیده است. حزب بر ارزیابی دقیق واقع بینانه از درجه رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی و بر طواری بودن دوره تاریخی تحول به سمت انسان کمونیسم تأکید دارد. حزب بر این باور است که در شرایط کنونی، تسریع اساسی در تولیدات و تسریع اساسی در تجهیز و مدرنیزه کردن بخش های مختلف اقتصاد دلی بر اساس دستاورد های جدید علمی و فنی پایه ریزی گردد. مسأله مطرح در پاره اول اردیبهشت ماه نشان می دهد که حزب کمونیست اتحاد شوروی با سازی کیفی نیروهای تولیدی را بعنوان وظیفه مهم و قوری حزب تلقی می کند. به همین جهت در برنامه ۵ ساله اول و در برنامه دوره تا سال ۲۰۰۰، تسریع رونق و شتاب علمی و فنی و تجهیز سریع پیشرفته ترین تکنولوژی در تولید، شناسایی و برنامهریزی و نیز تغییر ساختار اقتصاد دلی در نظر گرفته شده است.

می کردند. مردم خشمگین به اتوموبیل های گشت و ماشین های کمیته حمله می کردند و مانع از رفتن آنها می شدند و اتوموبیل های شخصی با آجساد راهبندان به ماشینهای پاسداران اجازه رفتن نماندند و در دندوبین جهت پاسداران برای حمله به تظاهرات از آمبولانس استفاده می کردند. پس تظاهرات حدود ساعت به طول انجامید. کارکنان سروکلیوزیم عده ای را دستگیر کردند. حفظ هرات از همان ابتدا در سراسر شهر انعکاس یافت و بسیاری از مردم از گوشه و کنار به شوراها و مراکز تجمع و با شرکت در تظاهرات به طرف خیابان احمد آباد سرازیر شدند و برای پاسداران مانع از نزدیک شدن آنها به محل می شد. مردم خیر تظاهرات علیه رژیم را در همان به دهان نقل می کردند و شعارهای آنها تکرار می نمودند.

شب بود که تظاهرات از فلک ملک آباد با دوای بار با شرکت عده بیشتری از مردم شروع شد. شعارها علیه رژیم و علیه جنگ بود. تظاهرات مردم این بار چندین ساعت به طول انجامید. این بار پاسداران برای متفرق کردن مردم اقدام به تیراندازی کردند. عده ای مروج شدند و عده ای را نیز دستگیر نمودند. مردم خشمگین نیز به مقابل پاسداران برخاستند و آنها را مغرور و مجروح ساختند. پس از خاتمه تظاهرات جوانان موتور سوار در سطح شهر به گشت پرداخته و مردم را به تظاهرات فرا می خواندند و می گفتند: "عده ما هر شب ساعت ۷، رژیم، وضع را چنین دید، در خیابان احمد آباد در خیابانهای اطراف آن نیرو مستقر کرد."

مردم شهید که وضع را چنین دیدند روزی ام اعتراض خود را ادامه دادند و این بار از فلک ملک آباد آغاز کردند و روزهای پنجم و ششم از میدان شهید و خیابان دانشگاه حرکت نمودند. مقامات حکومتی استان و نیروهای امنیتی و سروکلیوزیم را پس از اعتراض گسترده و بیگانه مردم شهید سخت به وحشت افتادند و از استقبال بی سابقه و شاد و خوشحالی مردم شهرنگران و مغرور شدند. خبر این تظاهرات و اعتراضات وسیع مردم شهید شهرهای دیگر انعکاس

یافته همراهِ آنها دیدند. در وقت راه به کمیته حمله کردند. مسأله این است که در حال دیگر کمیته جی ها که سراسیمه خود را به محل رسانده بودند، همراهِ می شدند. دست از پاره زده کمیته برگشتند و وزن مزبور به همراه حدود ۴۰۰ نفر از مردم خشمگین و معترض این حادثه به طرف کنگره ۲۷ آنها را علیه رژیم برانگیخت. بود. به طرف کمیته برآفتاد. حرکت مردم به طرف کمیته بلافاصله به تظاهرات علیه رژیم و پاسداران مبدل شد. مردم معترض علیه رژیم شعار می دادند و دیگران را به جمع خود فرا می خواندند. تظاهرات تا کمیته ما رزمه با سنگرات واقع در خیابان راهنما بی ادامه یافت. مردم در مقابل کمیته خواهان آزادی فوری زن شدند و کمیته جی را زحمت و سرچاهی را آزاد کرد و دست و پاسداران به متفرق کردن مردم پرداختند. شب هنگام پاسداران ارتجاع تعدادی از جوانان را مخفیانه دستگیر کردند و روز بعد کمیته با زقسطنیه را تعطیل و برای صاحبان مغازه های واقع در آن حراشی در رابطه با فروش لباسهای غیر اسلامی و شرکت در تظاهرات تعیین نمود. خبر دستگیریها اقدامات اخیر رژیم بلافاصله در سطح شهر متپخش شد و ساعت ۷ بعد از ظهر همان روز جمعیتی حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در مقابل همان پاساژ اجتماع کردند و بویژه این اقدامات اعتراضی نمودند. پاسداران و ما موران کمیته وحشت زده از خشم مردم، خیابان احمد آباد، در مقابل فلک متقی آباد فلک ملک آباد را در کنترل خود گرفتند و راه بندان کردند. مردم که از پسین تهدید بیشتر به خشم آمده بودند دست به تظاهرات زدند و در مقابل چشمان حیرت زده پاسداران، شعار می دادند: "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر پاسدار"، "بهر بیرونی خواهیم، سبک و شیرینی خواهیم، نمی خواهیم که نمی خواهیم، زندگان اتوموبیلگردی کنند و راه بندان گیر کرده بودند و باروشن کردن چراغها سرف باک کنه های اتوموبیل های خود را مردم همراهِ

حزب این اصل را مدنظر قرار می دهد که "بسیاری از گروه گشایی صلیب مستقیما مربوط به ساختار کمونیسم، باید از مرحله تاریخی طولانی سوسیالیسم پیشرفته گذشت و "کشور ما در آغاز مرحله سوسیالیسم پیشرفته قرار دارد" (ک. چرننکو - از مقاله "به سطح نیاهای سوسیالیسم پیشرفته").

حزب کمونیست اتحاد شوروی تا کیدمی کند که این نتیجه گیری در زمینه تئوریک و سیاسی دارای اهمیت اولی بوده و امکان می دهد که اولاً تعریف اساسا علمی و بدون ذهن گرای بی وکزا نه گوی از بیان پیشرفت سوسیالیسم و ویژگیهای لحظه کنونی اتحاد شوروی را به خود، ثانیاً محتوی و طولانی بودن مرحله سوسیالیسم و نیز مقدمات گذار به کمونیسم تدقیق کرده، ثالثاً، برای اساس و با در نظر گرفتن مسائل ایجابی و چشم انداز دور کمونیسم، استراتژی تعیین کرده و برای انجام آن بسج نمود. برای حزب این مسأله دارای اهمیت جدی است که جمع بندی از درجه پیشگامی جامعه شوروی مستقیما بر اساس واقع بینانه از دستاورد های سوسیالیسم و از کاستی و کمبود های موجود باشد. و به اهمیت آن جنبه های کم و بیا زیاد داده شود و اهداف هر چند جذاب ولی غیر قابل دسترسی در دستور قرار نگیرد. همچنین امکان است نظام سوسیالیستی و نیروی سازنده آن دست کم گرفته شود.

تعمیل سوسیالیسم نفع یافته یک دوره کامل را در برخواهد گرفت. حزب کمونیست اتحاد شوروی تا کیدمی کند که هر گونه تعجیل و تحسوس در حصول به فاز کمونیسم، به معنی تلاش برای به فراد مغرور کردن آن، چیزی است که می توان و باید امروز انجام داد. ثانیاً بدینا رسانی ها و کوتاهی ها، به عوارض طبیعی سوسیالیسم نسبت داده شود و تا کیدمی کامل می توان از آن رهایی یافت. بدین ترتیب سطح نیاهای مرحله سوسیالیسم و کمونیسم را با بین آورده و تقاضای بزرگ مسان آنها را پاک کرد.

هدف حزب کمونیست اتحاد شوروی از مرحله تاریخی طولانی سوسیالیسم نفع یافته، نه کند کردن پیشروی به سوی کمونیسم، بلکه غلبه بر مشکلات موجود و شتاب بخشیدن به پیشرفت ها در زمینه های مختلف است. برای تکمیل سوسیالیسم نفع یافته نیاهای انبوه عظیم کار وجود دارد. با اعتقاد دارنده تعیین تاریخ دقیق برای پایان این مرحله کار ربهوده ای است. زمان را منتاب تسریع فعالیت های مردم شوروی و پیشرفتهای اقتصاد دلی معین خواهد کرد. آنچه که امروز و جا جدا اهمیت است نه مشخص کردن زمان، بلکه تعیین وظایف و سنجش آن با معیارهای بین المللی است.

این مسایل در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بر اساس آن دستاورد های دهه ای اخیر، به تئوری سوسیالیسم غنای بیشتری بخشیده است. حزب بر ارزیابی دقیق واقع بینانه از درجه رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی و بر طواری بودن دوره تاریخی تحول به سمت انسان کمونیسم تأکید دارد. حزب بر این باور است که در شرایط کنونی، تسریع اساسی در تولیدات و تسریع اساسی در تجهیز و مدرنیزه کردن بخش های مختلف اقتصاد دلی بر اساس دستاورد های جدید علمی و فنی پایه ریزی گردد. مسأله مطرح در پاره اول اردیبهشت ماه نشان می دهد که حزب کمونیست اتحاد شوروی با سازی کیفی نیروهای تولیدی را بعنوان وظیفه مهم و قوری حزب تلقی می کند. به همین جهت در برنامه ۵ ساله اول و در برنامه دوره تا سال ۲۰۰۰، تسریع رونق و شتاب علمی و فنی و تجهیز سریع پیشرفته ترین تکنولوژی در تولید، شناسایی و برنامهریزی و نیز تغییر ساختار اقتصاد دلی در نظر گرفته شده است.

می کردند. مردم خشمگین به اتوموبیل های گشت و ماشین های کمیته حمله می کردند و مانع از رفتن آنها می شدند و اتوموبیل های شخصی با آجساد راهبندان به ماشینهای پاسداران اجازه رفتن نماندند و در دندوبین جهت پاسداران برای حمله به تظاهرات از آمبولانس استفاده می کردند. پس تظاهرات حدود ساعت به طول انجامید. کارکنان سروکلیوزیم عده ای را دستگیر کردند. حفظ هرات از همان ابتدا در سراسر شهر انعکاس یافت و بسیاری از مردم از گوشه و کنار به شوراها و مراکز تجمع و با شرکت در تظاهرات به طرف خیابان احمد آباد سرازیر شدند و برای پاسداران مانع از نزدیک شدن آنها به محل می شد. مردم خیر تظاهرات علیه رژیم را در همان به دهان نقل می کردند و شعارهای آنها تکرار می نمودند.

شب بود که تظاهرات از فلک ملک آباد با دوای بار با شرکت عده بیشتری از مردم شروع شد. شعارها علیه رژیم و علیه جنگ بود. تظاهرات مردم این بار چندین ساعت به طول انجامید. این بار پاسداران برای متفرق کردن مردم اقدام به تیراندازی کردند. عده ای مروج شدند و عده ای را نیز دستگیر نمودند. مردم خشمگین نیز به مقابل پاسداران برخاستند و آنها را مغرور و مجروح ساختند. پس از خاتمه تظاهرات جوانان موتور سوار در سطح شهر به گشت پرداخته و مردم را به تظاهرات فرا می خواندند و می گفتند: "عده ما هر شب ساعت ۷، رژیم، وضع را چنین دید، در خیابان احمد آباد در خیابانهای اطراف آن نیرو مستقر کرد."

مردم شهید که وضع را چنین دیدند روزی ام اعتراض خود را ادامه دادند و این بار از فلک ملک آباد آغاز کردند و روزهای پنجم و ششم از میدان شهید و خیابان دانشگاه حرکت نمودند. مقامات حکومتی استان و نیروهای امنیتی و سروکلیوزیم را پس از اعتراض گسترده و بیگانه مردم شهید سخت به وحشت افتادند و از استقبال بی سابقه و شاد و خوشحالی مردم شهرنگران و مغرور شدند. خبر این تظاهرات و اعتراضات وسیع مردم شهید شهرهای دیگر انعکاس

"انقلاب ایدئولوژیک" یا واپسگرایی ایدئولوژیک؟

کارزاری که مجاهدین از آغاز بهمن ماه سال پیش، زیر نام "انقلاب ایدئولوژیک درونی" بپا کردند، همچنان دامنه وزرفای ویرانگریستری می یابد. این کارزار که شمره رشدگرایان و مستکبرییهای راست در سازمان مجاهدین خلق، در طی سالهای اخیر است، به نوبه خود سرآغازی تازه در زرفش و گسترش این روندهاست. درستیزشلیکاتی مجاهدین سازمانهای چپ و دموکرات، ازدواج مسعودجوی با مریم عفدالو، که مجاهدین آنرا تجسم تمام نمای انقلاب ایدئولوژیک خود، "وج کیفی جدیدی بر فراز تمام حماسه های تاریخ مجاهدین" معرفی می کنند، در مرکز قرار گرفته و اغلب محتوای این "انقلاب ایدئولوژیک" در حجاب متاخره بر سرآغلای پنهان گشته است. رهبری سازمان مجاهدین می گوید با سرآزیرکردن سیل خشم و نفرت نیروهای مجاهد به سوی انتقادکنندگان ازدواج و بادمیدن در کوره خصومت متقابل و اعلام جهاد برای دفاع از سازمانشان در برابر "جهت نامتجان و متجان و ضد انقلاب" انگیزه و محتوای واقعی این "انقلاب ایدئولوژیک" را، که به اساس ایدئولوژی و سیاست مجاهدین برمی گردد، نشان مازد.

به اعتقاد ما تمرکز توجه به مسأله ازدواج و مسایل اخلاقی مربوط به آن به پنهان سازی محتوای رویدادها و مسایل اساسی تریاری می رساند. این ازدواج با همه نادرستی ویی آمدهای ویرانگران، میوه ای است که به سر تا خا را ندهی مضمی معینی می توانست بپا را بدو حادشای است که نطفه آن در بطن راستگرایی های ایدئولوژیک سیاسی وسیطره شدیدکیش شخصیت می توانست بسته شود. پس قبل از هر چیز، با بداین میسایلی، با هدف سازندگی، بررسی و ریشه یابی شود.

بررسی حرکت سازمان مجاهدین در سالهای اخیر نشانگر رشدگرایانه و واپسگراییه و راست در عرصه های ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی آن است. سازمانهایی چون سازمان مجاهدین خلق که بر پایه آرمان خواهی اقتصار میانی جامعه یابی گیرند، بنا به خلقت خود، اگرچه امکان ارتقاء در سمت مواضع را دیدگال تر ادا دارند، اما همچنان در معرض خطر عدول از مواضع انقلابی و در غلطیدن به راست هستند. شرط بنیادین برای جلوگیری از این خطر، هر چند نزدیکتر شدن به موضع دفاعی زوده های رنجبر است. این امر در عرصه ذهنی لزوماً با میزان جذب و پذیرش اندیشه و راه حل های سوسیالیستی سنجیده می شود.

بنیادگذاران سازمان مجاهدین خلق، اگرچه سازمانی با ایدئولوژی مذهبی پی ریخته اند، اما در همان حال توانستند بسیاری از اندیشه های سوسیالیستی را جذب کنند، به میزان زیادی بزرگترین سبزی در بین مسلمانان مبارزان آیدن دورا و همگاری با کمونیستها و بیطسور مشخص با فدا بیانی خلق را هموارانید. دستاوردتلاش متقابل کمونیستها و مجاهدین در سالهای پیش از انقلاب یک نزدیکی و همگاری برادرانه و آواقتا امیدآفرین بوده است. اگر همین روند ادامه می یافت چه بسا امروزه ما مناظره ای اینگونه بر سر آرا تفرقه و کناکش در میان نیروهای انقلاب، مواجه نبودیم. اما متاسفانه چنین نشد و در سالهای پیش از انقلاب، نه در عرصه ایدئولوژی و نه در عرصه خط مشی، مجاهدین راه بنیادگذاران سازمان خود را پیش نبردند.

مجااهدین خلق در سالهای اخیر، برای تبدیل شدن به آلترنا تویو قدرت، به تعدیل آماج های برنامه های خود به سود بورژوازی دست زدند. البته شعار "خامعی طیفه توحیدی" کنا رگذا شته شد، اما مفهوم این شعار، که قبلا نیز میهم بود، هر چه بیشتر در ابهام فرو رفت و خود شعارتا دمکن به حاشیه رانده شد. در همین روند، مجاهدین هر چه بیشتر برای خود را از میدان مبارزه توده ها در راه خواستهای اقتصادی شان پس کشیدند و شعارتا عدالت اجتماعی را که توده ها فریاد می کشیدند زیر سایه شعار "پنهان کردن"

آزادی قرار دادند. اما در عرصه انقلاب بهمن مردم ما بیدومجاهدین حسق داشتند که برای تحقق این آماج بر زمینند، اما از یک سو به حاشیه کشاندن و حتی ترک دیگر شعارهای خلق و از سوی دیگر نزدیک کردن مفهوم و محتوای شعار آزادی آماج بورژوازی لیبیرالی خواست و تبلیغ می کرد. به تا جا مجاهدین را به صف آرای جدیدی برانگیخت و به زبان نزدیکهای پیشین با صف نیروهای چپ، به سمت نزدیکی و اتحاد با صف بورژوازی لیبیرالی سوق داد. بر سر سیر تکوین مناسب با مجاهدین با "نیفت آزادی" و جریا ن شریعتدار و سبسی بنی مدره مظران وی، که همزمان با است شدن، تیره شدن و قطع شدن مناسبات مجاهدین با سازمانهای چپ تکمیل می گشت، نمودار برآزای سبسی واقعبیت خلق و تا صف با راست، تشکیل "شورای ملی مقاومت" با سنگ با ریه اتحاد مجاهدین و "دفترها هنگی" بنی مدره و با یک برنامه رفیق بورژوازی که مریحا اعلام می کند سر ما بیداری را می پذیرد و "جمهوری دموکراتیک اسلامی" برقراری کند و با وسواس تمام خواستهای اساسی خلق را مسکوت می گذارد و متانف سبورژوازی را مورد دفاع قرار می دهد، فعل جدیدی در زندگی سازمان مجاهدین گشود.

سازمان مجاهدین، همانگونه که با هدف تبدیل شدن به آلترنا تویو قدرت، به تلاتن وسیع برای متحد کردن نیروهای بورژوازی با خود دست یازید، بویژه در دوران مجاهدت کوشید تا خود را از گنا ه نزدیکی و با شمایل به اتحاد با کمونیستها مبرا سازد. در همین راستا کار مجاهدین با سازمانهای چپی چون "راه کارگر" و "اقلیت" نزدیک قیلا با یکدیگر نزدیک های بیشتری احساس می کردند، به بدترین خصومت ها کشید.

رهبری سازمان مجاهدین در رابطه با سازمانهای چپ و دموکرات نه تنها سیاست اتحاد در پیش نبرد، بلکه به گوا ه رویدادهای چند ساله اخیر به هدف بیرون راندن همگی از میدان رقابت سیاست تفرقه افکنی را ادا من زد. بر همین اساس چند ماه پیش شخص سرگردان وهویت کم کرده ای را که از اقلیت جدا شده بود، به عضویت "شورا... درآورد و برآین شخص نام "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیرو برنامه هویت" نهاد و با این شگسرد نگو هیده کوشید تا هم برنامه فدایی ضربتی و آردا زدوم یک گروه مساج خود را برای سوا استفاده از این نام علم کند.

آخرین رویداد از این دست، بیرون رانده شدن حزب دموکرات کردستان از "شورای ملی مقاومت" است.

آرمان سیاسی سازمان مجاهدین و دیگر گونیهایی که در مواضع آن نسبت به نیروهای سیاسی کشور بیداده اند، در مواضع آن نسبت به صف آرای نیروهای سیاسی در سطح بین المللی نیز به شدت منعکس گشته است. در این زمینه

کارنا به فعالیت رهبری مجاهدین خلق در دوران مجاهدت گواهی قطعی است. در دوران مجاهدت، جلب حمایت رژیمهای غربی و احزاب "بافنود" و حاکم در این کشورها، در کانون تلاشهای مجاهدین جای گرفت. آنها که قبل از مجاهدت نیز تدریجا کم تر و کمتر از مبارزه فدا مبریا لیستی نام می بردند، در دوران مجاهدت چنین مبارزهای را می توان گفت ترک کردند. آفتاب امبریا لیسم و امبریا لیستها، توضیح ما هیت امبریا لیسم و اهداف تئوریک آن را علیه خلقی جهان و منجمله مردم ما، آفتاب توطئه های امبریا لیسم برای متلانی کردن، مسخ نمودن و به بیراهه کشیدن انقلاب بهمن مبارزات مردم و سازمانهای مردمی، نقش امبریا لیسم در برانگیختن جنگ خونرا بران و عراقی و منافعی که از راه کشتار مردم و ویرانی کشور ما می برد و غیره کم کم از نشیسات و تبلیغات مجاهدین رخت بریست. در عوض دیدارهای بیایی با دولتسردان کشورها یا امبریا لیستی و گفتگوهای همه جانبه با سران احزاب بورژوازی راست در این کشورها، درخواست بیایی از این نیروها برای "حمایت از مردم ایران"، "حمایت از مجاهدین خلق"، "شرکت در حل مسایل ایران و غیره" به کار روزمره سازمان مجاهدین خلق تبدیل شد. بخش اعظم تشریه مجاهد شامل همین مناسبات، همین گفتگوها و همین درخواستها است. در حقیقت باید گفت رهبری مجاهدین به جای اتحاد با نیروهای انقلابی و دموکرات کشور و جهان به جلب حمایت کشورهای غربی و "احزاب پرفنود" این کشورها روی آورده و به آن دل بسته است. در همین روند، رهبری مجاهدین بهترین جهت برای پیشبرد چنین سیاستی را همان شعار "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی تشخیص داده که اخیرا نیز مریحا از آن نام می برد.

روشن است که لازم پیشبرد سیاست فوق، اثبات عدم اعتماد دوستی مجاهدین با کمونیستهای ایران و کشورهای سوسیالیستی است. مجاهدین البته با کمی احتیاط و "ظرافت" کوششهای لازم را در این جهت انجام می دهند. امبریا لیسم که همواره در بی تا بودی، استحاله و تسلیم سازمانهای انقلابی و مردمی است، و طبیعی است که بر همین پایه از همان آغاز، برای مجاهدین نیز مثل سایرین نقشه داشته باشد. از چنین گراشی به شدت خرسند است و برای تقویت آن با همه امکانات تلاش می کند. اینکه تمسداد کثیری از ستا توره های آمریکا بی و چهره سرشناس خانواده کند بخود جرات می دهد به حمایت از مجاهدین بپردازد، خود به تنها نشان می دهد که مجاهدین تا کجا خطا کرده اند و غرب تا چه اندازه برای جذب آنها آمیدوار گشته است.

رشدگرایانه و واپسگراییه عقیدتی در ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق، مساله اساسی دیگری است که آیدنه آنرا مورد تهدید جدی قرار می دهد. عوامل چندگانه ای زمینه رشد سبسی گرایانه ای قهقاری را فراهم کرده است. اولاً سازمان مجاهدین خلق بمثابه سازمانی عمدتاً بیاننگرا و ناخواهی اقتصاری میانی جامعه یابی می باشد. در میان آفتارهای که مجاهدین بیشترین پیوند را با آنها داشته و متانف آنرا را متا بندگی می کردند، بخش عمده ای با سارا آیین هسبای کهن و دگم مذهبی بوده و زیر پرچم اسلام به مبارزه روی آورده اند. ثانیاً ایدئولوژی سازمان مجاهدین ایدئولوژی مذهبی بوده و حتی بیشتر از ترنیر رهبران مجاهدین نیز کوشیده اند تا از طریق تفسیر آیات و درچارچوب شرع، راهی برای اندیشه های ترقیخواهانه بگشایند. ثالثاً، قرار گرفتن روحانیون متعصب در رأس جنبش و برقراری رژیم اسلامی پس از انقلاب و گسترش جوشیده مذهبی در جامعه شرایط را نه برای تعدیل بلکه برای تعمیق این گرایانه در سازمان مجاهدین فراهم کرد. بر این ضربه ما شوشیستی بر سازمان مجاهدین و حاصل تلاشهای فکری و عملی مجاهدین برای جبران آن قریه و برای حفظ و گسترش پیگاه اجتماعی خود نیز مکمل این روند واقع شد. راهبای تکمیلی سیاسی سازمان مجاهدین خلق در سالهای پس از انقلاب که به عرصه های آرا ن اشاره کردیم، محکمترین زمینه را برای واپسگرایی آرمائی عقیدتی مجاهدین فراهم ساخت. با تلاحره، تلاش مجاهدین برای دستیابی به قدرت به هر قیمت و روشندید و تحماتر پلی سازمانی و کیش شخصیت در سازمان مجاهدین و تلاش برای استفاده از مذهب برای جلب مردم و برآی توجیه و توضیح کردار خود زمینه ساز دیدگروری آوردن آنها به آیین هسبای کهن مذهبی و تلاش برای هر چه مذهبی تر کردن حیات سازمانی است.

در سالهای نخست حرکت مجاهدین، تلاش بنیادگذاران و اندیشه پردازان آن برای بودگ اصول مذهبی را با اصول واقع نوسندیهایی علمی و انقلابی آشتی دهند و با هدف جذب اندیشه های بویای انقلابی، تفاسیر منعطف تفسرو ترقیخواهانه ای از اصول شریعت بدست می دهند. اما در سالهای پس از انقلاب تا کنون، رهبری مجاهدین تلاش عمده ای به خرج داد تا آن روشنداران که نشدو به جای جذب اندیشه های انقلابی و سوسیالیستی، در سمت دفع این اندیشه ها و حمارکنی ایدئولوژیک با کمونیستها و با "ترک و الحاد" حرکت کرد.

با زرتیرین تبلیوسوسیالی این گرایانه عقیدتی مجاهدین را می توان در تلاش آنها برای تلیق دین و دولتس طرح "جمهوری دموکراتیک اسلامی" از مظر آن است. و درالهی جلوه دادن سازمان مجاهدین و رهبری آن ونسبت دادن قدرت و کرامت الهی و فوق طبیعی به سازمان و رهبری آن مشاهده کرد. در کارزار تبلیغاتی شش ماهه اخیر مجاهدین، این تلاشها کستره وزرفسای بسیار خطرناک تر خود را نشان داده است.

"انقلاب ایدئولوژیک" مجاهدین خلق حاصل حدبالایی از تکون گرایانه های فوق و نیز سرآغلای تلاشهای با زهم بیشتر برای تثبیت و گسترش وزرفش همیسن گرایانه است. اگر این حرکت همینگونه ادامه یابد، (که دست کم امروز برای آیدنه نزدیک جزیان نمی شود پیش بینی کرد) تا ثرات بسیار ویرانگری در حیات مبارزاتی سازمان مجاهدین، در مناسبات مجاهدین با نیروهای انقلابی و دموکرات و در موقعیت کلی جنبه ترقیخواه در برابر ارتجاع غالب و مغلوب به جای خود هگذاشت.

همانطور که گفته شد جوهر آنچه مجاهدین "انقلاب ایدئولوژیک" می نامند چگونگی برخورد آنها با حقوق و موقعیت زن و مساله ازدواج و اخلاق نیست. جوهر "انقلاب ایدئولوژیک" مجاهدین تلاش برای انحطاط مطلق جانشینی رژیم خمینی بهر قیمت و روشست و تکمیلی سبسی های راست روانه سالهای اخیر است. البته مجاهدین خود کوشیده اند تا این هدف، در فریوت تبلیغ پیرامون "ارتقاء موقعیت زن مجاهد" پنهان کرده اند. اما در عین حال به اندازه کافی از مساله اصلی پرده برداری کرده اند.

در بنیاد شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران "پیرامون "انقلاب ایدئولوژیک" گفته می شود: "در یک کلام پیام این انقلاب ایدئولوژیک مقدس و بربرکت را می توان در تعمیق مفهوم پیگانه ساز رهبری

و رابطه مستقیم آن با راهی فردوجا مع خلاصه نمود. بیایم که براترین وجه ممیزه و خصوصیت ویژه ایدئولوژی ما همدین و اندیشه ناب توحیدی در پهنه انقلاب و جریان تکامل اجتماعی است و منظر از زیرساخت و مبانی لازم، شرط کافی و ضروری رها می و مداوای فردی و اجتماعی را دریا فتن و انتخاب در پذیرش "رهبری" ذیل صلاح جستجوی کند.

در این سخن از "رهبری اخص" یعنی سخن از شخص رهبر است، چرا که مساله سازمان رهبری پیش از آن "حل" شده است. در این باره اطلاعیه دفتر سیاسی و کمیته مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران "پیرامون معرفی رهبری نوین سازمان و انقلاب دموکراتیک نوین خلق قهرمان ایران" چنین می گوید: "رهبری دموکراتیک - انقلابی مجاهدین برتعمای میت انقلاب نوین خلقت تثبیت گردید".

"انقلاب ایدئولوژیک" مجاهدین طرف نش ماه گذشته، بیامدهای و بیانگر خود را آشکار کرده است. این واقعیت به گام کل ترین و تلخ ترین شکل آن در تبلیغات مجاهدین به سنا سبت ۳۰ مرداد، و در تشریح مجاهدین ۲۵۴ چهره نشان می دهد. مجاهدین در راستای کارزارش ماه اخیر تا آنجا پیش رفته اند که چگونگی برخورد سازمان نهایی سیاسی با مساله ازدواج را دستاویزی برای ترسیم صف آرایی دروغین انقلاب و ضد انقلاب قرار داده اند. بدینگونه سازمان نهایی سیاسی ترقیخواه به بیانه انتقاد ازدواج، "جبهه ضد انقلاب" برتتاب شده اند.

چهارم "اطلاعیه هیات سیاسی" وجه در "بیانیه شورای مرکزی... سازمان مجاهدین"، مکرر بر ایدئولوژی اسلامی، بر "اسلام علوی" بر "ایدئولوژی توحیدی" مجاهدین تاکید می گردد و در مقابل، اشاره های با معنای بزرگی "ترک" و "الحاد" سایر سازمانهای مردمی و بی ایمانی آنها به "تبعیبت" می شود و بر پایه اسلامی بودن ایدئولوژی مجاهدین و به اعتبار رهبری آنها در مجاهدین چند دلیل مثالی ذکر می شود. در واقع رهبری در موقعیت رهبر محترم، جنبه مطلق الهی می یابد. مجاهدین بی آنکه از تجربه تلخ رهبران جمهوری اسلامی درس بگیرند، در این راه پیش می تازند که هر چه بیشتر موجودیت و رهبری خود را با موجودیت و رهبری شریعت گره بزنند. در واقع رهبری مطلق و نامشروط سازمان مجاهدین به رکنی از گزین و آیین مجاهدین بدل شده است. مجاهدین با مسلم و مطلق دانستن رهبری "ام" (رهبری سازمان خود) و بی ایمانی کردن همین راهی، "انقلاب ایدئولوژیک" اخیر به ساختن و بنا دقیق ترکیبیم تکمیل "رهبری اخص" (رهبری رهبر خود) پرداختند. در بیانیه شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران "در این باره چنین گفته می شود:

معیار ما همدین برای تشخیص صف آرایی نیروهای سیاسی چیست؟ با اندکی تعمیق روشن می شود که برای مجاهدین این معیار، خود مجاهدین هستند. در یک طرف مجاهدین هستند و طرف دیگر سایر سازمانهای سیاسی. حال اگر کسی بپندارد که سازمان مجاهدین تبعیبت و بی ایمانی آن بیعت کند تا آنرا در رده موقتا زلف دشمنان مجاهد، یعنی دشمنان انقلاب خود را نجات دهد، در غیر این صورت جای همه سازمانهای سیاسی در "جبهه ضد انقلاب" قرار دارد.

اگر چه این با خوشبختانه یک سازمان مردمی و انقلابی همچون سازمان مجاهدین خلق ایران (و نه یک فرد تنها) پرچم انقلاب و طمع و آزادی و استقلال را به دوش می کشد و اگر چه تا نشین سیاسی دموکراتیک همچون شورای اسلامی مقاومت نبرد قابل رژیم رومی زوال خمینی معرفی شده است که در دوران انتقال قدرت به مردم مرجع نهایی تصمیم گیری و اداره امور کشور خواهد بود، ولی با اینهمه، چنانچه مساله اخص "رهبری" بنحوا حسن حل و فصل نگردد، با زخم خمینی مفتان و انواع فرصت طلبان و مرتجعان و میوه چینی در کمینند تا این انقلاب نوین را نیز بشکستند و در لجه خون اندازند و در سودای جاه و مقام و حطام دشواری نسل دیگری راهم به قربانگاه بفرستند.

بدینگونه، اگر روابط تفرقه از سایرین تلاش می کرد مف آرای "انقلاب" و ضد انقلاب را "مختص" کند، مجاهدین با معیار قرار دادن سازمان و قبل از هر چیز متما بزرگ کردن حد ها از غیر ما همدین خوا هنجین کاری کنند. یک نمونه عبرت انگیز در تشریح مجاهدین ۲۵۴ مرداد این است که از یک سو زیر نام "جبهه متخادرتجاع و ضد انقلاب" عده ای از سازمانهای سیاسی ترقیخواه در کنار سلطنت طلبان دشمن ما همدین معرفی می شوند و از سوی دیگر، تحت عنوان انگش در خواست مجاهدین از عدم برقرار آتش بسوی ۱۵ روزه، مجموع رادیوها و نشریات غربی که در این رابطه از پیشنه ساد مجاهدین استقبال و حمایت کرده اند، ردیف شده است.

سپس بر پایه چنین استدلالی گفته می شود: "ما چه بر اساس تجارت تلخ تاریخی وجه بر اساس داده های ایدئولوژیک و انقلابی خود برای تضمین آینده خلق و انقلاب، حقا بهای عظیمی برای امر خطیر رهبری در انقلاب قائلیم، بیایم که در ترکیب نوین رهبری ما و پیوند مریم و مسعود متبلسور می گردد؟"

بدون شک رهبران سازمان سیاسی می توانند مدعی شود که خود را ملاحبت ترسین نیرو برای رهبری جنبش و دستیابی به قدرت است. هیچیک از سازمانهای سیاسی کشور را این نظر از سایرین عقب نمی مانند. اما آیا معیار مردمی بودن یک سازمان و معیار سیاسی برای سنجش ملاحبت آن، چیزی جز برنا سه و سیاست ویرانگی آن می تواند باشد؟

ببینیم که رهبری اخص "یعنی رهبری شخصی فردی (و نه حزبی و جمعی) و شرط مطلق پیروزی خود و صلح تحمیل (و نه تا جنب) رهبری انحصاری خود بر سایرین قرار می دهند و طی آنچه "انقلاب ایدئولوژیک" می نامند، چنین اندیشه ای را به مساله ایمانی و اعتقادی برای خود بدل می سازند. ارتقا مریم عذرا تلویحه مردی بی مسعود رجوی و ازدواج متعاقبان، بسوای انگیزه های فرعی، از ترقی سیاسی مساله به ملزومات همین اقدام در نظر گرفته شد.

صف نیروهای مردمی و قد مردمی ما هیچ معیار دیگری جز نحوه برخورد این نیروها با خواست و آرمانهای مردم نمی تواند تشخیص کرد. پذیرش یا عدم پذیرش اسلام، و یا تذبذگی و دوری از سازمان مجاهدین معیار نیستند، بلکه ضمایر هستند. چرا ضمایر؟ چون کسانی که از طرح معیار اصلی هراس دارند و می خواهند توده ها از بر نامه و آماج های اقتصادی - اجتماعی آنها آنگاه نشوند، و در غیاب شعور پیدا رتوده ها بر تروس رهبری تکیه کنند.

چهارم "اطلاعیه هیات سیاسی" وجه در "بیانیه شورای مرکزی... مجاهدین، برجیزی از تاکید نمی شود همانا آلمان و آماجهای این رهبری، رابطه آن با خواستهای مردم و چگونگی اعمال نظر و اراده توده ها در شکل گیری آن است. تا بخوابی از مبارزه علیه خمینی، از ایثارگری و شجاعت، از قاطعیت و جسارت و از انواع بسیار گوناگون رفته است، اما هر چه بگردی کلمه روشنی در این باره که بالاخره این رهبری کدام یک از خواستهای اقتصادی - اجتماعی مردم را بر آورده می کند، و اینکه این رهبری بر منافع کدام طبقات و اقشار تکیه دارد، پیدا نمی کنی. آیا این رهبری بر اساس آزادی و آماج های توده ها چنین موقعیتی می یابد؟ آیا توده های مردم بر اساس دفاع این رهبری فردی از منافع شان آزاری پذیرند یا باید بپذیرند؟ خیر، رابطه این رهبری با مردم، و نتیجا با خود اعطاء سازمان مجاهدین، به اذعان "اطلاعیه هیات سیاسی... رابطه "آمروعا مل" است. از نظر ما همدین نه تنها نظر و اراده مردم در تعیین "رهبری اخص" بی تا ثیر است، بلکه مردم اطلاعات و آرا ندارند که در این باره نظر دهند. علاوه بر این، به اذعان اطلاعیه دفتر سیاسی "ترامندان و مسئولین بالاتر در مجاهدین امروز تا حدودی با ابعاد این جنبش عظیم ایدئولوژیک درونی... آشنا شده اند و تنها فردا است که در جریان سقوط محتوم رژیم ضد بشری خمینی و در جریان نوسازی و بنای ایران دموکراتیک همگان (یعنی مردم) با آن روبرو و آماج داین قدم مهم تاریخی بیشتر (و نه کلاما) آشنا خواهند شد."

اینکه رهبری جنبش مردم درست است، تریبی قرار گیرد نتیجه شک آزادی و اراده ای است و نه بر آرزوهای ما مبتنی است. امر رهبری جنبش نمی تواند به توده ها تحمیل شود، بعکس این توده های انقلابی هستند که مستات با سطح رشدی و ذهنی مبارزه خود رهبری یا لفعلا جنبش را تعیین می کنند. رهبران سازمان سیاسی نیز بر اساس موقعیت و نقش آن در میان توده ها و در جنبش انقلابی جای مشخص خود را در جنبش پیدا می کنند. همچنین باید تاکید کرد، اینکسکه یک سازمان مردمی تاجه جبرای تعیین مواضع مردمی در حل جنبش و در هر یک از سازمانهای سیاسی دیگری کوشد تا چه حد مسئولانه برای متحد کردن حدا کثر اقوای برای نابودی ارتجاع و استقرار حکومت انقلابی تلاش می کند، خود معیار برای سنجش خلعت آن و ملاحبت آن برای ایفای نقش در جنبش است.

آیا این گستاخانه ترمی توان با مردم و با سازمانهای سیاسی مردمی و با خود معیار بر خورد کرد؟

مجاهدین خلق برای پیشبرد جنبش حرکتی، بناچار باید از خواست مردم و ضرورت های عینی و اولی دست بشویند و به نیروهای ما و راه طبیعی متوسل گردند و با لاخره سازمان و رهبری خود را نیز دروای طبیعت و اشرف مخلوقات آن که همین خلق ستم دیده باشد به پرواز در آورند. در واقع بخش اعظم مطالب "اطلاعیه..." "بیانیه" مجاهدین شرح چگونگی درست شدن سازمان مجاهدین، خصیت مجاهدین، اعتبار و حیثیت مجاهدین، قدرت کمی و کیفی مجاهدین به دست مسعود رجوی است. در این اسناد سازمان مجاهدین به مثابه مخلوق رهبران تعریف می شود و علاوه بر این، رهبر مجاهدین صاحب گرامات قسوق طبیعی معرفی می گردد تا آنکه ادعا می شود "حتی بسیاری از ناسای های جسمانی که نهایتا منشا عصبی و روانی داشت و بیساری اختلالات ناشی از شدت وحدت شرایط و کار طاقت فرسای شبانه روزی بنحوی شکفت انگیز در پرستو رهبری مسعود مریم معالجه شد! وقتی "رهبری اخص" دارای چنین خصوصیات بود، آیا واقعا دیگری توانستند آنرا انتخاب و سخن از اعمال نظر و اراده نه تنها از سوی مردم، بلکه از سوی خود اعطای سازمان مجاهدین در میان باشد؟ خیر! حتی خود شورای مرکزی سازمان مجاهدین، که در اساس با یدما فوق کمیته مرکزی و هیات سیاسی و طبیعتا مشمول اول باشد، چنان تنزل می کند که می گوید: "... با رهبری نوین پیمان می بندیم و تا فراسوی جان و روان بیعت می کنیم" و دست به دعا بر می دارد که: "با رخا یا شرف و افتخار و تبعیبت و اطاعت انقلابی از این رهبری را از ما و از دیگر خوا هسرا ن و برادران مجاهدان دریغ مکن".

"انقلاب ایدئولوژیک" مجاهدین در شرایطی رویدا دکا از یک سو بحران همه جانبه رژیم به بالاترین سطح آن در همه سالهای اخیر رسیده و از سوی دیگر میان رژیم توده ها علیه جنگ و رژیم، در قالب صدها اعتصاب و نظرات خیابانی با شتاب رو به گسترش است. چنین شرایط حساسی پیش از هر زمان در این چند ساله، حضور فعال و موثر سازمان نهایی ترقیخواه و مبارزان می طلبد. حضور واقعا موثر سازمان نهایی ترقیخواه و مبارزان در کشور در پهنه تیرد گونه ای که با شکستی زین جنبش با شد و بنوا ندجیه به اندازه کافی نیرومندی در برابر ارتجاع غالب و مغلوب بگستراند، در گرو بهره مندی آنها از نیروی همکاری و اتحاد است. سازمان مجاهدین خلق، به مثابه یکی از نیروهای موثر جنبش قدرتمند، خواه ناخواه سر نوشت مبارزه اش به این امر که آیا جبهه خود را در نبرد جاری بدرستی تشخیص داده یا خیر، و آیا در جهت یکپارگی و تقویت صف نیروهای ترقیخواه اقدام می کند یا نه وابسته است. اما گام زاری که

مجاهدین خلق برای پیشبرد جنبش حرکتی، بناچار باید از خواست مردم و ضرورت های عینی و اولی دست بشویند و به نیروهای ما و راه طبیعی متوسل گردند و با لاخره سازمان و رهبری خود را نیز دروای طبیعت و اشرف مخلوقات آن که همین خلق ستم دیده باشد به پرواز در آورند. در واقع بخش اعظم مطالب "اطلاعیه..." "بیانیه" مجاهدین شرح چگونگی درست شدن سازمان مجاهدین، خصیت مجاهدین، اعتبار و حیثیت مجاهدین، قدرت کمی و کیفی مجاهدین به دست مسعود رجوی است. در این اسناد سازمان مجاهدین به مثابه مخلوق رهبران تعریف می شود و علاوه بر این، رهبر مجاهدین صاحب گرامات قسوق طبیعی معرفی می گردد تا آنکه ادعا می شود "حتی بسیاری از ناسای های جسمانی که نهایتا منشا عصبی و روانی داشت و بیساری اختلالات ناشی از شدت وحدت شرایط و کار طاقت فرسای شبانه روزی بنحوی شکفت انگیز در پرستو رهبری مسعود مریم معالجه شد! وقتی "رهبری اخص" دارای چنین خصوصیات بود، آیا واقعا دیگری توانستند آنرا انتخاب و سخن از اعمال نظر و اراده نه تنها از سوی مردم، بلکه از سوی خود اعطای سازمان مجاهدین در میان باشد؟ خیر! حتی خود شورای مرکزی سازمان مجاهدین، که در اساس با یدما فوق کمیته مرکزی و هیات سیاسی و طبیعتا مشمول اول باشد، چنان تنزل می کند که می گوید: "... با رهبری نوین پیمان می بندیم و تا فراسوی جان و روان بیعت می کنیم" و دست به دعا بر می دارد که: "با رخا یا شرف و افتخار و تبعیبت و اطاعت انقلابی از این رهبری را از ما و از دیگر خوا هسرا ن و برادران مجاهدان دریغ مکن".

در شرایط مشخص کنونی نیز ما، موثرترین راه علیه برپایه مدهای تفرقه انگیز رویدا دهی اخیر را مبارزه در راه از بین بردن فضای مسموم حاکم بر مناسبات سازمانهای ترقیخواه و مبارزان نشین کردن و رند دوستی و همکاری و اتحاد، به جای تفرقه و ستیزه جویی می دانیم.

مجاهدین خلق است. در شرایط مشخص کنونی نیز ما، موثرترین راه علیه برپایه مدهای تفرقه انگیز رویدا دهی اخیر را مبارزه در راه از بین بردن فضای مسموم حاکم بر مناسبات سازمانهای ترقیخواه و مبارزان نشین کردن و رند دوستی و همکاری و اتحاد، به جای تفرقه و ستیزه جویی می دانیم. * *

بحران اقتصادی و سیاستهای ارتجاع

بحرانی ریشه دار و پیوسته در اقتصاد درازمدت جمهوری اسلامی را فراتر گرفته است و هر روز که می گذرد آهسته آهسته عمق آن وسعت می یابد. نمودهای بارز این بحران را می توان در عرصه های مختلف اقتصاد کشور مشاهده کرد.

آمارارایه شده از جانب بانک مرکزی ایران نشان می دهد که میزان تولید ناخالص ملی در سال ۶۱ حدود ۲۵/۵ درصد کمتر از سال ۱۳۵۶ بوده و تقریباً معادل سال ۱۳۵۳ است. در حالی که در فاصله بیست و سه ساله (۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱) ۸ میلیون به جمعیت کشور افزوده شده است. لذا تولیدات اجتماعی زیادتیری لازم بوده تا پاسخگوی نیازهای این جمعیت انبوه باشد.

اقتصاد کشور ما بعد از انقلاب بهمن همچنان بصورت اقتصاد تک محصولی باقی مانده است. اتکا اقتصاد کشور به درآمد ناشی از فروش نفت در حال افزایش است. هم اکنون نزدیک به ۹۶ درصد درآمد ایران را نفت تشکیل می دهد و حدود ۹۰ درصد بدهی کشور بود در آمد نفت است. صنایع سنگین، صنایع متوسط و صنایع کوچک و متوسط در ایران به علت گسترش جنگ ایران و عراق موجب شده است که درآمد ارزی ایران مداوم کاهش یابد. کاهش ارز حاصل از فروش نفت بر تمام عرصه های اقتصاد دوایست کشور ما تا نیرات مخرب می گذارد. کاهش تولیدات، تعطیل بسیاری، تعطیل موقت برخی واحدهای تولیدی از آن هم این عرصه های تاثیرمخرب است. به گفته وزارت صنایع، شاخص کل تولیدات صنعتی در سال ۱۳۸۰، معادل ۸۳ درصد تولیدات سال ۱۳۵۶ است. وزارت صنایع در سال گذشته اعلام نمود که برای برآورد انداختن نرخ تولیدات صنعتی و برای تهیه مواد اولیه، قطعات پدگی و ماشین آلات در سال ۶۲، نیاز به ۷۸۰۰ میلیون دلار ارز دارد. این رقم عمق وابستگی صنایع ایران را نشان می دهد. سران رژیم جمهوری اسلامی به جهت کمبود ارز دنیا مبلغ ۲۷۶۰ میلیون دلار یعنی ۳۵ درصد ارز مورد نیاز این وزارتخانه را تا این گزیده است. به اعتراف مسئولین وزارت صنایع: "تقریباً ۷۰ درصد مبلغ پیش بینی شده می بایست جهت تامین مواد اولیه و برای تهیه متریال تولیدات به مصرف برسد، به خوبی آشکار است که با توجه به سهمیه پیشنهادی، کارخانجات وزارت صنایع قادر به تولید محصولات فوق در حد قابل نیاز جامعه نخواهند بود" (انتقال از گزارش عملکرد سه ساله وزارت صنایع). با توجه به اینکه صنایع ممتاز و وابسته ایران متکی به مواد اولیه قطعات پدگی و ماشین آلات وارداتی است، کاهش ارز مورد نیاز صنایع به میزان ۶۵ درصد تا نیرات زیاده بر صنایع کشور گذاشته و آنها را بیش از پیش به رکودی می کشاند.

اقتصاد دکنای ورزی و دامپرووری کشور ما به وضع فلاکت باری افتاده است. نگاه به تولیدات کشاورزی این ساله بارز و واضح نشان می دهد. به گفته یکی از نمایندگان مجلس: "با توجه به اینکه در سال ۶۲، کشاورزی محروم بوده، در وضعیت اسفباری قرار داشت. از نظر سطح کشت نسبت به سال ۶۱ کتند ۱۳ درصد، برنج ۲۴/۵ درصد، جو ۵/۵ درصد، پنبه ۱۶ درصد، چغندر قند ۱۵/۵ درصد، نوتون ۱۶ درصد و پنبه ۲۳ درصد کاهش داشته ایم و از نظر عملکرد و برداشت در هکتار در محصولات عمده ۳/۵ درصد تا ۱۷/۸ درصد کاهش داریم" (کیهان ۱۲ مرداد ۶۲). واردات روز افزون کتند، برنج، روغن، گوشت و علوفه و دیگر مواد کشاورزی نمود بارز ورنگستگی اقتصاد دکنای ورزی است.

رژیم خمینی بخاطر هزینه های کمزورکن جنگ و بیرون ریزی جهت سیاست ارتجاعی اقتصاد دکنای سه ساله با کسری بودجه کلان مواجه است. در بحث های مجلس رژیم پیرامون بودجه سال ۶۲ معلوم شد که درآمد حاصل از نفت که در بودجه سال ۶۲ مبلغ ۱۸۰ میلیارد تومان منظور شده بود، فقط ۱۳۵ میلیارد تومان تا مین شده، یعنی مبلغ ۴۵ میلیارد تومان کمتر از مقرر بود. در قسمت "سایر درآمدها" نیز حدود ۵۰ میلیارد تومان کسری تا مین وجود داشته است، بدین ترتیب از درآمدهای منظور شده در بودجه سال ۶۲، مجموعاً ۷۰ میلیارد تومان حاصل نگردیده و یک پنجم بودجه مقرر با کسری مواجه شده است. اگر کسری بودجه اعلام شده را نیز بدایین ارقام اضافه کنیم، کسری بودجه در سال ۶۲ به رقم بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان خواهد رسید. کسری بودجه از طریق استقرار بانک تا مین می شود. هم اکنون بدهی دولت به بانکها به ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. بدون تردید کسری بودجه و چاب آکناس بدون پشتوانه به افزایش نقدینگی بخش خصوصی، بالا رفتن تورم و گرانی به تشدید بحران اقتصادی منجر می گردد.

تورم در سالهای اخیر بطور لگام گسیخته بالا رفته است. بهای کالاها، مصرفی و خوراکی کسبه بیشترین بخش هزینه خا نواده های کم درآمد را تشکیل می دهد. چندین برابر افزایش یافته است. به این ترتیب از قدرت خرید زحمتکاران شدیداً کاسته شده است.

آمار نشان می دهد که در چند سال اخیر رکافت پایین جبا و لگرا و زحمتکاران تصمیم یافته است به یعنی روند تورم کسری سرمایه در دست عمده معدودی تشدید یافته و بر فقر و فلاکت زحمتکاران افزوده شده است. در حالی که در آمار سال ۸۵ هزار ریال در سال ۳۸۷؛ به ۸۰ هزار ریال در سال ۱۳۶۱ کاهش یافته است. میزان نقدینگی بخش خصوصی از سال ۵۷ تا ۶۳ به برابری حدود ۶۵۰ میلیارد تومان افزایش نشان می دهد. حسابهای سپرده با ننگها نیز تشدید شده و فروپاشی را به خوبی نشان می دهد. بررسی وضع حسابهای سپرده در سال ۱۳۶۱ در بانک صادرات نشان می دهد که ۸۵ درصد از سپرده گذاریان کمتر از ۱۰ درصد کل سپرده ها را، ۱۵ درصد بقیه بیش از ۹۰ درصد کل سپرده ها را دارند، یعنی نود درصد سپرده ها متعلق به غارتگران جامعه است.

بحران اقتصادی که در تمام زمینه های اقتصاد کشور ما ریشه دارد، ناشی از مناسبات سرمایه داری وابسته و سیاستهای ارتجاعی رژیم خمینی است. سرمایه داری وابسته به جهت رشد نا همگون و تشنگی درونی آن نمی تواند بحران عمیق و ساختاری رهایی یابد. بحران اقتصادی به بعد از پایان یافتن دوران با مصلحت چپش اقتصاد، در اواخر حکومت شاه خاش، تجلی آشکار پیدا کرد. بعد از انقلاب بهمن بحران اقتصادی به جهت بقاء نظام سرمایه داری و تداوم وابستگی اقتصاد کشور به دول امپریالیستی مهار نشد و با ادامه جنگ فرساینده ایران و عراق و اتخاذ سیاستهای ارتجاعی به سود کلان تجاران و بزرگان مالکان توسط رژیم خمینی، تعمیق بیشتری پیدا کرد.

رژیم فئودالی خمینی از یک سو همچنان بر تداوم جنگ اصرار می ورزد و از سوی دیگر برای مهار بحران فراگیر اقتصادی مناسبات سرمایه داری وابسته را بازسازی می کند. در حالی که ریشه بحران در همین سرمایه داری وابسته نهفته است و جنگ آنرا تشدید کرده است. سرمداران رژیم هم جدا به جدا تئوریسم های کشورهای امپریالیستی اعلام می کنند؛ "اگر ما نخواهیم تولید صنعتی خود را زیاده دکنی می بایست برای مدتی وابستگی به خارج بیشتر شود" (بانگی سرپرست سابق سازمان صنایع و بودجه - اطلاعات دی ماه ۶۲). علاوه بر آن رژیم راه چاره را در افزایش فروش نفت می دانند، "دولت اعتقادش این است که هیچ راهی برای کسب استقلال و قطع وابستگی از نفت وجود ندارد، جز فروش بیشتر نفت در یک دوره کوتاه" (بهار آندیسو - اطلاعات اول اسفند ماه ۶۲). آنان برای عملی کردن این سیاست ارتجاعی، چوب خراج بر ثروت ملی ما زده و با نقض مقررات اوپک، نفت را با قیمتهای ارزان در بازارهای بین المللی به فروش می رسانند. رژیم خمینی برای تأمین منافع غارتگران و افزایش تولیدات، و غلبه بر بحران فزاینده نه تنها بهرگز در دادن صنایع ملی شده به صاحبان قبلی اکتفا نکرده، بلکه بخش مهمی از صنایع دولتی را به سرمایه داران جبا و لگرا گذار می کند. نمود بارز این سیاست را در اقدامات اخیر دولت می توان دید، نخست وزیر در گزارش خود در بهمن ماه ۶۲ گفت: "ما کارخانه های که مشکلاتی در این زمینه دارند تشدید مردم عرضه کردیم، از جمله بیشه قزوین که توسعه سرمایه های داشت، و سهام آن به عموم فروخته شد. پیش بینی می شد، این سهام در عرض نود روز فروخته شود، ولی در عرض ۹ روز به فروش رسید. و اینکار که بانک صنعت و معدن آنرا انجام داد یکی از کارهای مهم دولت بود". سرمداران رژیم با بحران اقتصادی روبرو کرده زحمتکاران منتقل می کنند. تشبیه دستمزد کارگران و حقوق کارمندان، گاستن از هزینه های عمومی و رفاهی، تحصیل بخشی از هزینه های آموزش و درمان به خا شاده است. افزایش مالیات مستقیم و غیر مستقیم نمونه های از سیاستهای ارتجاعی رژیم خمینی در این زمینه است.

تلاشهای مذکورانه رژیم استبدادی خمینی نه تنها قادر نیست آنطور که وعده می دهد بحران اقتصادی غلبه کند، بلکه بر عکس با ادامه سیاستهای ارتجاعی، ادامه جنگ ایران و عراق و بازسازی مناسبات سرمایه داری وابسته برداشته و عمق بحران می افزاید. بحران های اقتصادی ذاتی نظام سرمایه داری است و وابستگی اقتصاد دکنای ما تشدید کننده بحرانهاست، تنها در پرتو سوبک حاکمیت مردمی و اجراء سیاستهای عمیقاً مردمی در عرصه اقتصادی و اجتماع راه غلبه بر مشکلات و محرومیت های زحمتکاران کشوده می شود، و تنها اقتصاد دوسوسیالیستی قادر است بر بحرانهای سرمایه داری زنده بماند و بگذارد.

توطئه های رژیم علیه خلق بلوچ

چندی پیش تعدادی از عناصر رژیم در بلوچستان از جمله مولوی "نظر محمد" و مولوی عبدالستار بزرگزاده از جانب حکومت به پاکستان رفتند. مولویهای فراری شاه دوست را به بلوچستان ند کشند و بیام خمینی وعده های او را برای جلب همکاری، به آنها برسانند. فرستادگان رژیم قبل از همه به سراغ سران و میزبانان اصلی سازم وحدت بلوچ که در گذشته توسط رژیم شاه و نوکر او ایجاد گردیده و هدف اصلی آن جلوگیری از هر حرکت مردمی و درخواست ملی در بلوچستان بود در اولین دور مذاکرات با یکی از نوکران حلقه "به گوش شاه" حاج کریم بخش سیدی در منطق "میرپورخاص" در ایالت سندیا کستان صورت پذیرفت. حاج کریم بخش با زچک و چانه های معص از جانب فرستادگان رژیم ما موریت یافت که به سایر همکاران خود میانه مذاکره شنیدند و آنها را برای بازگشت به ایران و همکاری با رژیم خمینی متقاعد کند. در این مذاکرات فرستادگان جمهوری اسلام به فراریان و خاشین به خلق بلوچ وعده دادند که آنها را در مقابل مردم حفظ خواهند کرد. ساله به اینجا ختم می شود، اقدامات خاشینکار رژیم خمینی ابعاد وسیع تری دارد، "فرمناس رییس ساواک ایران شهر نیریز مدتی است بازگشته است و وظایف مسئول توزیع خانه های سازمانی کارمندان ایران است شهر می باشد، ولی در بیان مسئولیتها استیضاحی دارد." محمد عمران مبارکی از اولین ساواکی فن به کشور بازگردانده شده و ریاست بسیج مستضعفان و بخش راهبیمده گرفته است. "چا خان محمد" و "عبدالله خان محمدی" که هر دو از سرپرستگسا رژیم شاه بودند، برگردانده شده اند و اکنون فرماندهان عملیاتی - بسیج در منطقه هستند. از آن نمونه ها فراوان است. گسترش نارفاقی محروم بلوچستان و اوج گیری جنبش ملی خلق بلوچ رز، خمینی را به دست و پا انداخته است. مردم محروم و در بند بلوچ که با ازبندی ترین امکانات زندگی محروم و در سخت ترین شرایط بسر می برند، اعته خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی از دست داده در دوران حکومت خمینی، در درونج های خلق محروم بلوچ که تنها کاشن نیافته است، بلکه شملها به که طی سالین در از رژیم شاه خاشن به سرمد آسان رواداشت، شدت بیشتری گرفته است. جمهور اسلامی نه تنها هیچ اقدام در جهت بهبود شرایط زندگی مردم بلوچستان انجام نداده است و هیچ تدابیر برای تغییر اوضاع اقتصادی و اجتماعی نا بسامان بلوچستان نداشت و نداد، بلکه به توسل به زور و سرکوب به مقابله با خواسته های نمایان ملی خلق بلوچ برخاسته و بسیاری از فرزندان مبارز خلق بلوچ را به بند کشیده است. رژیم خمینی که عا جز از حل مشکلات و معضلات مردم بلوچستان، از اوج گیری مطالبات و مبارزات مسرد هراس دارد، به بیانه مبارزه با قاچاق مواد مخ که ما موران حکومتی و با ندهای قدا انقلابی افانستا گردانندگان اصلی آنند، به آزار و اذیت مسرد بلوچستان پرداخته است و بدین وسیله به ایجا ربع و وحشت در منطقه مشغول است.

رژیم که پایگاهی در میان خلق بلوچ ندارد به هر وسیله ای برای حفظ و تحکیم موقعیتش در منطق حساس بلوچستان متوسل می شود. جمهوری اسلامی برای اینکه قادر باشد بلوچستان را به یکی از مراکز اصلی توطئه و تحریک علیه افغانستان دموکراتیک تبدیل کند به هر چه سید و بهر ترتیب موقعیتش را در آنجا تحکیم نماسد. کوششهای رژیم برای جلب همکاری مولویهای خا فراری و بازگرداندن ساواکیها به بلوچستان بدین منظور صورت می گیرد تا با استفاده از این وادار و دوستهای آنان، اهداف ارتجاعی خود را جهت سرکوب جنبش ملی خلق بلوچ و محرومیت بلوچستان و حفظ موقعیتش در آنجا به عمل بیاورد. نیروهای ترقیخواه و مردم بلوچستان ایست اقدامات و نقشه های خاشانه سران جمهوری اسلام را محکوم می کنند. نیروهای مترقی و ملی خلق بلوچ برای مقابله با این توطئه های رژیم علیه مردم بلوچستان، متحد می شوند. اتحاد نیروها میهن پرست و مترقی خلق بلوچ علیه رژیم خمینی و اتحاد دو همگامی آنها با دیگر نیروهای انقلاب کشورهای گانه راه تحقق خواسته های ملی خلق بلوچ و رهایی محرومان بلوچستان است.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

ششمین سالگرد پیروزی انقلاب نیکاراگوئه

مردم نیکاراگوئه بیست و هشتم تیرماه ششمین سالگرد انقلابشان را با سرور و شادمانی جشن گرفتند. در چنین روزی مردم نیکاراگوئه طی تشریفی سخت و سرنوشت ساز زهره‌بری چیده آزادبندی مسلحانه خود را جشن گرفتند. در سال ۱۳۴۸ موفق شدند به سلطه خاندان سوموزا که ۴۵ سال پادشاهی توری و کشتار بر کشور حکومت رانده بودند خاتمه بخشند، و دست است امپریالیسم آمریکا را از اغارت منابع ملی دستبردار کردند. زحمتگزاران گوناگون

انقلاب نیکاراگوئه چنان نداد زهای گسترده‌ای برای ساختن جامعه فارغ ازستم و استثمار در مقابل مردم نیکاراگوئه کشود. حکومت انقلابی در طی شش سال با وجود توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و خرابکاری دست‌های تروریست، به‌کامیابی‌های شایسته دست یافته است. بیش از ۴۰ درصد از دهقانان نیکاراگوئه صدها هزار هکتار زمین حاصلخیز در اختیار کرده‌اند. بیسودی که در پیروزی انقلاب حدود ۸۰ - ۷۰ درصد مردم نیکاراگوئه را شامل می‌شد، اکنون به‌کمتر از ۱۰ درصد رسیده است.

دولت‌ریگان و مزدوران آن در منطقه جنگ اعلام شده‌ای را به انقلاب نیکاراگوئه تحمیل کرده‌اند. در نتیجه این جنگ تاکنون بیش از هشت هزار نفر از مردم نیکاراگوئه از جمله نزدیک به سه هزار نفر کودک به هلاکت رسیده‌اند. با ندهای تبهکاران رسیده و بیچارگان که دولت انقلابی ایجاد کرده بود، به آتش کشیده‌اند. آمریکا تا بحال برای سرکشی حکومت انقلابی به اقدامات گوناگون از جمله تحریم اقتصادی، بمب‌گذاری در هوا و حمل نیکاراگوئه، آموزش و تجهیز فدا انقلابیون و کمپانی کلان به آنها منتقل شده است. ولی مردم دولت نیکاراگوئه فاطما نه در مقابل اقدامات تهاورات دولت ریگان و مزدوران آن ایستاده و از انقلاب و دستاورد های آن دفاع می‌کنند. در این تبهکاران مردم نیکاراگوئه از حمایت و همبستگی تمام کشورهای و نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان برخوردارند. از سوی کمیته مرکزی سازمان ما بنا به ششمین سالگرد انقلاب نیکاراگوئه پیام شادباش و پشتیبانی از مبارزه بر حق مردم نیکاراگوئه علیه امپریالیسم آمریکا به دانسل اورتنگاریه و جبهه آزادبندی ملی سان‌دینست ارسال شد.

چهل سالگی سازمان ملل متحد

پنجم تیرماه امسال، مصاف بود با چهارمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد. در پنجم تیر سال ۱۹۴۴، منشور سازمان ملل متحد در کنفرانس سانفرانسیسکو به تصویب رسید و سازمان ملل متحد برپا به این مناسبت در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو به لحاظ اهمیت آن در اساس مواظقت نامه‌های بین‌المللی قرار داد، منعکس کننده نفع مردم جهان از غیریت جنگ و گویای خواست آبروی بسیاری از ندهای صلح می‌باشد. منشور سازمان ملل متحد تا این کلمات آغاز می‌شود: ما، مردم ملل متحد مضمون هتیم نسل‌های بعدی را از بلیه جنگ نجات دهیم.

این مصاف در حقیقت اصول همزیستی و همکاری دولت‌ها، بر مبنای اصولی است که در آنجا تدوین این منشور، پیروزی بزرگ نیروهای صلح طلب و مترقی برجنگ افروزان و تجاوزگران بود. اتحاد شوروی در تنظیم منشور مهمی داشت. ایده ایجاد سازمان ملل متحد، توسط اتحاد شوروی در اکتبر سال ۱۹۴۲ مطرح گشت. با پیروزی فرانسیسم هلندری و میلینتارسم ژاپن و نقیض طاق اتحاد شوروی در جنگ افروزان، شرایط مساعدی برای تحقق ایده سازمان ملل متحد بوجود آمد.

در چهل سال اخیر با فروپاشی نظام استعماری و رهایی ملل تحت سلطه، مداوما بر تعداد اعضا سازمان ملل متحد افزوده شده است. بطوریکه هم‌اکنون ۱۵۹ کشور در آن عضویت دارند. بی‌شک در پیروزی‌های ده‌های چهل سال اخیر نشان می‌دهد که سازمان ملل متحد توانسته است در پیوسته در مورد متعددی در حل مسائل مهم بین‌المللی، از جمله کاهش درگیریها و تنشات نقش مثبت ایفا نماید. ولی در عین حال سازمان ملل قادر نشده است که تمام توانایی خود را در تحقق صلح جهانی و مضامین منشور بکار گیرد. در مواردی که کشورهای امپریالیستی توانسته‌اند سازمان ملل متحد جهت نامین مقاصد تهاورات خود استفاده کنند.

اکنون بزرگترین مانع در افزایش کارایی سازمان ملل متحد، کشورهای امپریالیستی و بی‌بزه امپریالیسم آمریکاست. اکثریت دولتی‌های عضو معتقدند که سازمان ملل متحد تا حد زیادی در پیوسته مناسبات بین‌المللی است، که می‌تواند در این نقش‌موشی در کاهش تنشات و حل مسائلی که بشریت با آن روبرو است، داشته باشد. ولی دولت آمریکا نه تنها مانع جدی در پیشرفت مناسبات صلح آمیز و عادلانه

بین‌المللی است، بلکه همچنان برای تسلط بر سازمان ملل متحد و تحمیل اراده خود بر سایر کشورهای تلاش می‌کند.

در سال‌های اولیه بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا و متحدین آن از یک اکثریت مکانیکی در مجمع عمومی برخوردار بودند و از این طریق پست‌های خاصی را اشغال کرده و شش‌هزار جرایمی یعنی دربرخاسته سازمان را کنترل نموده و سیاستهای ارتجاعی را در پیش می‌بردند. ولی موقعیت کنونی در جهان و پیوسته سازمان ملل متحد با سالیان پس از جنگ متفاوت است. گروه‌های کشورهای امپریالیستی برخی پست‌های کلیدی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک ترمیم و توسعه را در اختیار دارند، ولی دیگر قدرتمندان اراده خود را بر سایر کشورهای در عرصه تحمیل کنند. بی‌شک کشورهای رهایی‌یافته به سازمان ملل متحد اتخاذ مواضع ترقی خواهانه از جانب آنان، تناسب نیرو را به میزان زیادی به ضرر کشورهای امپریالیستی تغییر داده‌اند. امروز در تصمیمات سازمان ملل متحد در تعدادی از مسائل مهم و استثنائی، گرایشهای ضد امپریالیستی، فداستعماری و فدا جنگ به‌وضوح دیده می‌شود. دولت آمریکا در موارد بسیاری از مسائل اساسی سیاسی که در سازمان ملل مطرح می‌شود، در انزوای کامل قرار می‌گیرد. با راه‌پایه شده است که حتی نزدیکترین متحدین آمریکا، از مواضع آن در سازمان ملل متحد پیروی نمی‌کنند. آمریکا در برخی از مسائل مهم و استثنائی سازمان ملل متحد نیز در موقعیت ضعیفی قرار گرفته است. از اینرو تصمیمات آنها را منافع متضاد خود تلقی کرده و به سبزی آنها برمی‌خیزد.

امروز دولت آمریکا به سازمان ملل متحد، بعنوان سدی در مقابل پیشروی سیاستهای تهاورات و جنگ افروزان خود می‌نگرد و به همین خاطر مصلحتاً سیاست تبلیغاتی علیه آن را دنبال می‌کند. دولت آمریکا برای تغییر موضع سازمان ملل متحد و سازمانهای جنبی وابسته آن به خود، به یک سلسله اقدامات دست‌زد که یکی از این اقدامات تهدید به بیرون آمدن از سازمان ملل است. تصمیمات بیرون مطلوب آمریکا نیست. دولت آمریکا در سال‌های اخیر بی‌شک (سازمان آموزش، علمی و فرهنگی) وابسته سازمان ملل متحد را زیر شرب گرفته و آنرا متهم می‌کند که "سیاسی شده و شایسته‌های جامعه سرمایه‌داری را مورد انتقاد قرار می‌دهد. به همین خاطر بود که آمریکا از عضویت بونسکو کناره کشید و آنرا از نظر مالی در مقیاس قرار داد. در حالی که بونسکو جهت تلاشهای بیکرانه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد تاکنون نتوانسته است در گسترش همکاری برای حقوق بین‌المللی کشورهای در زمینه مسائل آموزشی، علمی و فرهنگی نقش جدی بازی کند.

اقدام دیگر آمریکا علیه سازمانهای بین‌المللی تهدید به کاهش بر داخت سهم مالی آمریکا برای اداره این سازمانهاست. در سال ۱۹۸۲، دولت آمریکا لایحه‌ای به مجلس سناتقدیم کرد که بر پایه آن می‌بایست بر داخت ختی سهم آمریکا در سازمان ملل متحد به مقدار محتاسبی کاهش یابد. برای سال آینده نیز سالانه ۱۰ درصد از میزان آن کاسته شود. دولت آمریکا با این اقدامات نتوانسته است موقعیت سازمان ملل متحد را به سود خود تغییر دهد. در سازمان ملل متحد دیگر سازمانهای بین‌المللی و مقام کشورهای سوسیالیستی و مترقی روز بروز استحکام بیشتری می‌یابد. این سازمانها در راه تاسیس صلح جهانی و گسترش همکاری بین دولتها کام‌های جدی تری بر می‌دارند.

امروز مردم جهان با امید به سازمان ملل متحد می‌نگردند. مکان تحقق اهداف فراقلمندانه‌ها با وجود آنکه برای این امر نیاز آگاهانده‌ها در سایه مبارزه خستگی‌ناپذیر و همکاری دولتهای ترقیخواه و فدا امپریالیست، منشور سازمان ملل متحد می‌تواند به درستی تحقق یابد.

پیمان "اتحاد اروپا"!

در اجلاس اخیر "جامعه اقتصادی اروپا" که در میلان تشکیل گردید، کشورهای آلمان غربی و فرانسه مشترکاً "پیش‌نویس" پیمان اتحاد اروپا را به اجلاس ارائه دادند که بر مبنای آن قرار است سیاستهای خارجی و نظامی کشورهای با زار مشترک اروپا هماهنگ گردد. آنان پیشینهاد نمودند که برای رسیدن به این مقصود دبیرخانه سیاسی ویژه تشکیل گردد.

این پیشینهاد نشان دهنده آن است که گروه‌بندی جدیدی در "جامعه اقتصادی اروپا" در حال شکل‌گیری است. که بر پایه همکاری نزدیک آلمان غربی و فرانسه، در زمینه مسائل نظامی و تکنولوژیکی قرار دارد. پیش‌نویس "پیمان اتحاد اروپا" با مخالفت انگلستان، یونان و دانمارک مواجه شد. مخالفت انگلستان به خاطر این بود که قبلاً با این کشور در مورد پیش‌نویس مذاکره نشده بود. یونان و دانمارک با اقدامات دیگر کشورهای اروپایی "سیاسی کردن" جامعه

اقتصادی اروپا با احتیاط برخورد کرده و از زیون نزدیک تر با نا تو واهمه داشتند. گرجه پیش‌نویس در اجلاس اخیر در شهر میلان به تصویب نرسید، ولی مذاکره بر سر آن، با کشورهای جامعه اقتصادی اروپا ادامه یافت. این اقدامات نشان می‌دهد که کشورهای امپریالیستی در تلاشند که با زار مشترک اروپا راهی یک اقتصاد سیاسی و نظامی تبدیل کرده و بیلوک بندی جدیدی را در اروپا در پیوند نزدیک با پیمان تجارت و زنگار تا توجیه آورند. این بیلوک بندی در صورت تشکیل، همانند دیگر پیمانهای تجاری و زنگارانه، علیه نیروهای صلح طلب، کشورهای مترقی و کشورهای سوسیالیستی و در خدمت تکمیل طرحهای تجاری و زنگار آمریکا در اروپا خواهد بود.

اقیانوس هند، منطقه صلح

در اوایل ماه گذشته، اجلاس ویژه سازمان ملل متحد در مورد اقیانوس هند برگزار گردید. در این اجلاس نمایندگان با نژاده کشورهای در شرکت داشتند هدف اجلاس مبارزه در راه تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح بود.

حدوداً نژده سال قبل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از بیانه کشورهای غیر متعهد برای تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح حمایت کرد. ولی در طی این سالها، عملاً این فکر به تحقق نرسید. مانع جدی در اجرای بیانه کشورهای غیر متعهد، سیاستهای تجاری و زنگارانه امپریالیسم جهانی بر کردگویی امپریالیسم آمریکا است. آمریکا و متحدین آن با کمک دولتهای دست‌نشانده، مدام در حال گسترش حضور نظامی خود در منطقه هستند. هم‌اکنون، آمریکا بیش از سی پایگاه نظامی در منطقه اقیانوس هند دارد و در صدد احاطه با یکایهای دیگر از جمله در پاکستان است. دولت آمریکا، بیش از ۶۰ تانک جنگی در آبهای اقیانوس هند مستقر کرده است که برخی از آنها مجهز به سلاحهای هسته‌ای هستند. و این بر کردگویی در دفاع ریگان، اخیراً اعلام داشت که: آمریکا قصد دارد بر تری نظامی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس به منظور دفاع از منافع حیاتی خویش حفظ کند.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از بیانه کشورهای غیر متعهد دفاع کرده و معتقد هستند که اقیانوس هند باید به منطقه صلح تبدیل گردد. نماینده اتحاد شوروی در اجلاس ویژه سازمان ملل متحد اعلام کرد که شوروی تمام تلاش خود را بکار خواهد بست تا اقیانوس هند به منطقه صلح تبدیل یابد.

امروز، او را در کردن آمریکا به بر جیدن با یکایهای نظامی خود را اقیانوس هند و تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح نقش بسیار جدی در تاسیس امنیت کشورهای منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس دارد. به همین خاطر، کشورهای ساحل اقیانوس هند زیانه کشورهای غیر متعهد شدیدا حمایت کرده و برای تحقق آن مبارزه می‌کند.

بدهی کشورهای در حال رشد

فیدل کاسترو، رهبر کوبا در ملاقات با روزنامه نگاران خواستار آن شده که بدهیهای کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال توسعه را به صورت عملی گردد. هم‌اکنون، بدهیهای خارجی کشورهای در حال توسعه تا حدی در ساله اقتصادی بین‌المللی تبدیل شده است. بدهی کشورهای در حال توسعه همه ساله در حال افزایش است. بر داختهای سالانه این کشورهای برای بازپرداخت و بهره قرضیهایی خارجی نزدیک به ۱۰۰۰۰۰۰۰ میلیون دلاری رسد. کشورهای آمریکای لاتین در بیست سال آینده مجبورند نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار بازاء بهره‌بدهیهای خود برداخت کنند.

کشورهای امپریالیستی و بی‌بزه امپریالیسم آمریکا از طریق دادن وام، دسترنج زحمتگزاران و منابع ملی کشورهای در حال رشد را غارت می‌کنند، اقتصاد آنها را به ورطه‌های فقر می‌دهند و از این طریق ملل رهایی یافته‌ها را به امارت می‌کشانند. دادن وام به کشورهای در حال رشد در دست امپریالیسم نو استعماری امپریالیسم جایگاه ویژه‌ای دارد. امپریالیسم آمریکا با فروپاشی نظام استعماری و رهایی یافتن کشورهای تحت سلطه از دهه هفتاد به این سو به انواع شیوه‌ها متوسل شده است تا قرضیهایی سنگینی را به دولتهای استقلال یافته تحمیل کند. هم‌اکنون ۴۰ درصد بدهیهای کشورهای در حال رشد به بانکهای غیر دولتی کشورهای امپریالیستی متعلق به بانکهای خصوصی آمریکا است که از این طریق سود با آورده‌خومی به حساب می‌زنند.

مردم کشورهای در حال رشد را سنگین و مهای استعمارگری را شنیده‌اند و خود را از حاکمیت برای رهایی یافتن از دیون اسارت و احاطه نظامی و نوین اقتصادی در مناسبات بین‌المللی بیگوار می‌کنند.

از جیب زحمتکشان

به کیسه کلان سرمایه داران

حسینی معاون وزارت دارایی رژیم درسمینار "شوراهای مرکزی اصناف کشور" که در ۲۸ اردیبهشت در کرمان برگزار شد، اعتراف کرد که: "سال گذشته در مقابل ۷/۲ میلیارد تومان مالیاتی که کارمندان پرداخته اند، مالیات مشاغل تنها ۲/۴ میلیارد تومان بوده است و در ضمن این مبلغ مبالغ غل متوسط پرداخته اند و شروتمندان مشاغل دارای درآمدهای هنگفت سهم قابل توجهی در این مالیات ندارند" او همچنین گفت "هم اکنون ما حدود ۲ هزار نفر را به نام می شناسیم که به جای پرداخت بیش از یک میلیارد تومان مالیات حقه خود، تنها ۱۹ میلیون تومان از آنرا پرداخت کرده اند" وی با ذکر آمار و ارقامی چند به وضوح ماهیت سیاست و عملکرد رژیم جمهوری اسلامی را در برخورد با سرمایه داران بزرگ و تاجران کرمان کشف می نماید: "اشخاصی هستند که ۵۶ میلیون و ۲۹ میلیون و ۲۵ میلیون تومان فروش داشته اند و اعلام کرده اند ما در سال گذشته اصلاً عملیاتی انجام ندادیم". آمارها بیش از نیم ابرتجاری دست کلان تاجران و بزرگ مالکان سرمایه داران کردن کلفت را در تجارت و جیب و لگام کسب کرده مردم کاملاً باز گذاشته است. رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی که در فاجعه از کلان سرمایه داران را به جایی رسانده که با وقاحت هر چه بیشتر بدون هرگونه پرده بهیچ به دفاع آشکار از سرمایه داران و شروتمندان و جبا و لگروختی از نظر خودشان خاطر و مجرم می بردند. معاون مالیاتی وزارت دارایی رژیم در همین سمینار تحریف روشنی از هویت طبقاتی رژیم به مثابه ابزار سرکشی و توده های توسط کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان آرایه می دهد و نحوه برخورد رژیم را با کسانی که مالیات نمی پرداختند، چنین تریبی می کند: "ما در وزارت دارایی و سایر ادارات دولتی اکثر کارمندان و کسانسی مرتکب شوم و او را تنبیه می کنیم و او را در روزنامه ها و رسوایی کنیم، اما آیا اصناف در مقابل اشخاص خاطر و کسانسی که با ندادن مالیات در حقیقت حق مردم... (۱) به جیب می زنند کجای است؟" کلان تاجران و سرمایه داران بزرگ نوروختن روحانیون و مفسران رژیم مانند آنها مختارند هر میزان خود تشخیص دادند مالیات به دولت بپردازند. چرا که دولت خدمتگزاران را زور و موازات از احاد مردم کسری بپردازد است مالیات میلیاردری را اخذ می کند.

درس پیروزی بقیه از صفحه ۱۲

راه خود را از مردم جدا نمود، و با زش با درباریان پیش گرفت، وی که از تعمیم جنبش ملی شدن نفت و خشت کرده بود، در آستانه کودتا کاری جز تفرقه افکنی و کار شکنی در صفوف نیروهای ملی و تشدید فعالیت علیه کمونیسم و حزب توده ایران انجام نمی داد و سرانجام پس از کودتا، عملاً به تأیید و پشتیبانی از آن پرداخت.

درست در چنین وضعیتی، حزب توده ایران که تنها نیروی متشکل و بسیج کننده کشور بود، زیر شدیدترین ضربات خردکننده کودتا و حکومت نظامی قرار گرفت. سازمانهای حزبی یکی پس از دیگری متلاشی گردیدند. سازمان افسران حزب در شهر پیروزی ۱۳۳۳ مورد یورش قرار گرفت و... بدین ترتیب حزب دچار لطامات جدی و ضایعات فراوان گردید. رژیم کودتا موفق شد موفقتاً جنبش را سرکوب کند، در پی این جنایات، امپریالیستها و درباریان تمام قوا کوشیدند همه دستاوردهای مبارزات فداستعماری و فدا میریالیستی مردم را با بمباران کنند. آنها دیدگاه توری سیاه و خونینی را بر کشور حاکم گردانیدند هر مدای آزادی خواهانه و میهن پرستانه مردم را با خشونت و زندان، تبعید، شکنجه و اعدام پاسخ دادند. منابع عظیم نفت این ثروت طبیعی و ملی ایران را محدها به تاراج بردند و برای اولین بار کارگزاران نفتی آمریکا همراه شرکتیهای غارتگر انگلیسی به چپاول مشغول شدند. شاه و دربار و اطرافیان آن و منشی سرمایه داران و ملاک، با فتنه جنایات و خیانتی سنگین و بیبهای تشدید فقر و عقب ماندگی مردم ایران، سرمایه و ثروتیهای هنگفتی اندوختند. این وضعیت با تسلط مناسبات سرمایه داری در کشور ادامه یافت و تشدید شد. بدین ترتیب حکومت کودتا ۲۵ سال دوام یافت، تا بالاخره انقلاب عظیم فداستعماری، فدا میریالیستی مردمی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بساط این رژیم حصار و فداستعماری را برچید و سلطنت ۲۵ ساله را برای همیشه به گورستان تاریخ سپرد.

اما علیرغم این تحول عظیم سیاسی و انقلابی و میهن ما، سرکوب توده های مردم بویژه طبقه کارگر و نیروهای مبارز آزادیخواه پس از یک وقفه کوتاه به دست جمهوری اسلامی با شدت ادامه یافت. رژیم جدید در اعمال دیکتاتوری و سرکوب توده ها، کسری سبقت را از رژیم شاه رسد، بعد از زهدت کوتاه می مجدداً سرکوب نیروها و سازمانهای مترقی و انقلابی آغاز کرد. حزب توده ایران نیز با ردیکر با همان اتهام های شناخته شده "جاسوسی" و "خیانت و نظایر آنها" توسط رژیم جمهوری اسلامی مورد وحشیانه ترین تهاجمات قرار گرفت. اکثر کارگزاران و اعضای حزب و بخش بزرگی از رهبری آن بازداشت و زیر شکنجه قرار گرفتند. به این ترتیب با ردیکر لطامات فداستعماری حزب وارد آمد. هدف اصلی و استراتژیک رژیم

جمهوری اسلامی در این سرکوب ها، در حقیقت همان اهداف فداستعماری و ارتجاعی کودتای ۲۸ مرداد، یعنی سرکوب جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده های مردم و بطور کلی نابودی انقلاب مردم ایران و با بمباران کردن تمامی دستاوردهای آن بوده است، بحالی آماج ها و ارزشهای آزادیخواهانه، استقلال طلبانه و عدالت خواهانه توده های مردم، حکومتی سیاه و جفا بتکار نشست.

سرکوب هرگونه آزادیهای سیاسی و اجتماعی، کشتار و شکنجه و تبعید نیروهای انقلابی و ترفیخواه، نابودی امنیت شغلی و اجتماعی مردم، سرکوب ددمنسانانه حقوق زنان، برافروختن جنگ و سبقت آوردن ویرانی های بی شمار و... از همان این رژیم جنایتکار است. این وضعیت ناراضی و خشمگین توده های مردم را برانگیخته است. اینک سرکوب ددمنسانانه توده ها با مقاومت و مبارزه طبقه کارگر و توده های مردم و فعالیت گسترده و بیگیر نیروهای انقلابی مواجه است.

در چنین شرایطی با ردیکر سلطنت طلبان و مزدوران امپریالیستی آمریکا، برای بیرون آوردن تابوت بوسیده و منقور سلطنت از گورستان تاریخ، به تلاشهای مذبحخانه های دست می زنند. اینک بودبانه می کوشند از وضعیت موجود برای توجیه سلطنت و پوئان دادن جنایتیهای دربار و رژیم شاه سود ببرند و علیرغم تمامی ختم و نفرت سازشناپذیری که مردم در انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن نسبت به سلطنت طلبان شان دادند، تلاش می کنند، تا با ردیکر مردم را بفریبند و با جنایات امپریالیستها مجدداً به "قدرت" دست یابند. افسانه این باندها و مبارزه ای امان علیه این شاه برستان منقور و عاملین کودتای سنگین امپریالیستی ۲۸ مرداد ۲۲، که مسبب خون ریزیها و جنایات بی شماری هستند، یک وظیفه میهنی و انقلابی و همبستگی است.

امروز ضرورت تحکیم صفوف کمونیستها و گسترش سازماندهی نیروها برای هدایت ورهبری مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش و اتحاد نیروهای مترقی و انقلابی به منظور تحکیم صفوف خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و خنثی ساختن هرگونه رویای سلطنت طلبان، مهمترین الزامات جنبش انقلابی کشور است. سلطنت طلبان و مدرسهای مبارزه علیه رژیم وابسته سلطنتی زنده است. این دربار را با بدگرای می داشت و بسا دقت و مسئولیت بر گرفت. درک اهمیت مبارزه برای یکپارچگی و توانمندی جنبش کمونیستی ایران و افزایش هر چه بیشتر نقش آن در رهبری مبارزات خلق، و مبارزه بیکرانه در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی و میهن پرست، بزرگترین دسی است که از شکست جنبش در سال ۲۲ می توان گرفت.

ما می مانیم

آوازی می خوانند،
با زاین دهان های به خون آغشته میهن،
- این عاشقان خواندن و پرواز،
در آبی فردا -
زیبایی آزادی این سرزمین خفته در خون را،
تا عشق شورا نکیز ما را آورد این بار.

شعر بلندنا تمام، ای سرزمین من!
ای غرقه در تالاب های خون
بشنو رسودی قرارانت،
از هر کجایه برده در جانت،
دراوج این پرواز، آوازیارانت،
بنگر چه اندوهی زد لها کرده است بیرون.
آری سرود عشق، ما را به فردا می دهد پیوند،
ای مانده در بیداد، ای در بند.

شعر بلندنا تمام، ای سرزمین من!
امروز در عشق تومی سوزیم،
فردا به باغ سبزه آرزو دهات آزادی گردیم،
رضا مقصدی - ۱۹ بهمن ۶۳

همبستگی جوانان

در این جشنواره نمایندگان نزدیک به ۱۵۰ کشور جهان شرکت دارند. در جریان تدارک جشنواره مسکو، توده عظیمی از جوانان کشورهای جهان، بسا شور و اشتیاق در میزبانیهای سیاسی، تظاهرات، راهپیمایی ها، و نیز در مسابقات ورزشی و هنری آن مشارکت داشته اند. آنچه که این نیروی عظیم را حول شعارها و برتنا میهای جشنواره جوانان مسکو به حرکت در آورده و این اتحاد گسترده را موجب شده، مسایل مشترکی است که حال و آینده جوانان جهان با آنها گره خورده است. این مسایل در برگیرنده حقوق اصل و مشروع جوانان جهان و نقش سترگ جوانان در ترقیخواه و دموکرات جهان در مبارزه ملتیارانه برای دستیابی به استقلال ملی، صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی است.

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان، در شرایطی برگزار می شود که امپریالیسم آمریکا سیاستهای جنون آمیزی را در جهت گسترش دامنه های تسلطیاتی، بویژه در فضای کیهانی پیش می برد. تحا و زنگامی علیه کشورهای شرقی جهان از جمله نیگارا گوا، افغانستان، لبنان و گسترش گانونیهای تشنج جهانی به سیاست رسمی حکومت ریگان بدل گردیده است و تشنج ناشی از سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا، صلح جهانی و سرنوشست بشریت را در وضعیت بفرنج و دشواری قرار داده است. در چنین شرایطی، مبارزه در راه صلح جهانی و ترقی اجتماعی هر چه عمیق تر با مبارزه فدا میریالیستی خلقهای جهان پیوند خورده است.

اینک دوازدهمین جشنواره جوانان می رود تا صدای جوانان سراسر دنیا را برای "همبستگی فدا میریالیستی، صلح د دوستی" در همه جا طنین انداز کند. مسایلی از قبیل مبارزه در راه خلق صلح جهانی، محکوم کردن جنایات نژادپرستان آفریقای جنوبی و صهیونیستی اسرائیلی، پشتیبانی از مجامع ترقیخواه و بین المللی چون جنبش عدم تشدد و... از جمله مواضعی خواهد بود که در این گردهمایی دنبال می شود.

دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان در شرایطی برگزار می شود که جوانان میهن ما در معرض شدیدترین فشارها قرار دارند. صدها هزار جوان و نوجوان طعمه جنگ ویرانگر ایران و عراق گردیده، ندو هزاران جوان جان خود را در شکنجه گاه و در میادین اعدام رژیم ارتجاعی از دست داده اند. هم اکنون میلیون ها اسارتگاههای رژیم از جوانان میهن پرست و مبارزان نباشته است.

سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) با شرکت در دوازدهمین جشنواره مسکو با تمام قوا خود را کوشید که رنج بیکران جوانان ایران و صدای اعتراض و حق طلبی آنان را به گوش جهان بیاورد. برسانند همبستگی مردم سراسر جهان را با جوانان میهنمان تحکیم بخشد. نمایندگان سازمان جوانان فدایی تلاش خواهند کرد که در مبارزه جوانان " برای همبستگی فدا میریالیستی صلح د دوستی" نقش شایسته ای ایفاء کند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

از میان گزارشها

مردم علیه جنگ

دامنه اعتراضات مردم علیه جنگ و علیه رژیم جنگ طلب و ضد مردمی جمهوری اسلامی روز به روز گسترده تر می شود. مردم میهن مسان بیش از پیش علیه جنگ و برای صلح بیامی خیزند. اخیراً تظاهرات، اعتراضات و مقاومتها و بیستای بیشمار مردم که حاکمی از نضرت آنان از ادامه جنگ و جنگ طلبان و تلاش و مبارزه برای صلح است، بطور بیسابقه ای افزایش یافته است:

تهران - در تظاهراتی که مردم جنوب شهر بر علیه جنگ برپا کردند، چندین ماشین دولتی به آتش کشیده شد. در این تظاهرات مردم محله میریه بطور وسیعی شرکت داشتند و علیه جنگ و رژیم شعار می دادند.

بعد از بمباران دولت آباد تهران هنگامیکه بسیجی ها شعار جنگ جنگ تا پیروزی می دادند، مردم با پر تابلو به طرف آنان اعتراض کرده و ادامه جنگ را محکوم کردند.

در نقاط مختلف تهران معمولاً پس از اعلام خاموشی شعارهای مرگ سر جنگ و مرگ بر خمینیستی از پیشت با میا و کوجو ها شنیده می شود. ساکنین خیابان قیصر لندست، ناروک و مناطقی جنوبی شهر تهران از این روش نیز در اعلام اعتراض خود علیه حکام جمهوری اسلامی سود می جویند.

اهالی شهرک گیان شهر واقع در جنوب شرقی تهران طی تظاهراتی نسبت به جنگ و رژیم اعتراض نمودند. مردم خشکین از جنگ افروزیهای خمینی و بمبارانهای ددمنشانه رژیم صدام، بدون ترس از ماوراء و مزدوران حکومتی به خیابان ریخته و علیه پاسداران سرکوبگر خمینی شعار می دادند و خواهان قطع فوری جنگ بودند.

در محله ۱۳ آبان سخنرانی یکی از اهالی بروی خرابه های بمباران هوایی رژیم عراق صبی برافشای سیاستهای جنگ طلبانه و ضد مردمی رژیم خمینی با استقبال وسیع مردم روبرو شد. مردم زحمتکش و ضد جنگ کوی ۱۳ آبان با علاقه به سخنان و گوش فرای دادند و حرفهای وی را تایید کردند. سی کردند. در این هنگام ما مورین کمیته بسرای تسکینی شخص مژبور سر رسیدند. مردم با مقاومتی نود از این امر جلوگیری کردند و او را بین خود می نمودند و از میلهک بیرون بردند.

در خیابان سلیمان جندی پیش مردی علناً بلاکاردی را که روی آن شعارهای مختلف برنموده تنگ نوشته شده بود حمل می نمود. شعارها و عمل خا خانه او سیما از سوی مردم مورد تایید قرار گرفته و با استقبال مواجه شد. جندی نگذشت که ما مورین کمیته سراسیمه خود را به محل رسانند اقدام به متفرق کردن مردم نمودند و فرد مژبور دستگیر کردند.

چندی پیش در شهر آرا هنگام اعلام حمله هوایی خاموشی، تعدادی از زنان محله که همگی چادر سرداشتنند، به خیابان ریخته و علیه جنگ و جنگ افروزان تظاهرات نمودند. اینگونه اقدامات بطور ویژه در هنگام بمبارانهای هوایی تهران به چشم می خورد. این امر با استقبال مردم مواجه گردید و هنگامی آنها را برانگیخت.

طی بمبارانهای اخیر تهران، عده ای از مردم حمله یوسف آباد به خیابان ریخته و علیه جنگ و رژیم صدامی دادند. مردم معترضی وخسته از جنگ با مدای لندن از اهالی محل دعوت می کردند که از منازل بیرون آمده و به آنها بپیوندند. اخیراً بر دیوارهای این محله شعارهای فراوانی با مضامین گوناگون علیه جنگ و خمینی نوشته شده است. از جمله شعارهای احمدیه جبهه همی رود - احق به جبهه می رود و جنگ جنگ کو پیروزی - به چشم می خورد.

در لویزان مردم اعتراض خود را نسبت به تنگ و متفرق خویش را نسبت به رژیم خمینی بگونه ای بستاری نشان دادند. قاضی از این قرار بود که هالی لویزان بگونه ای بسا بیه در مجلس تحریم کی از جوانان که در جبهه کشته شده بود، شرکت موده و در مسجد اجتماع کردند. آنها که از قبل با کدیگر قرار میدادند رگذاشته بودند، به محض ورود خود محله به مسجد که قصد سخنرانی در رابطه بسبب رگذاشته جنگ و خاموشی میدادند داشت مجدداً ترک بردند و او را گذاشتند.

به دنبال سقوط یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰۰ به منجر به کشته شدن ۸ نفر از پرسنل آن گردیدند براسم تشییع بسپار شد. در مراسم تشییع جنازه کشته شدگان ما در یکی از آنان بر روی سکویی قرار گرفته و با صدای بلند مردم و پرسنل نیروی هوایی را از رفتن به جبهه ها منع نمود و جنگ را محکوم کرد.

طی ماه اخیر همیته میان ساکن شهرهای شهریز، قزوین، بروجرد، گرگان، همدان، رشت، انزلی، دزفول، ارومیه... با برپایی تظاهرات و دادن شعارهای مختلف بر علیه جنگ و خمینی بطور بیسابقه ای به اعتراض و مبارزه پرداختند. مردم خسته از جنگ به شیوه های گوناگون و ابتکاری از تحریم و رفتن به جبهه ها تا برپایی تظاهرات ضد جنگ در هر فرصتی با جنگ و جنگ افروزان به مقابله و مبارزه برخاستند

ارومیه - در اورمیه مردم ضمن اعتراض به جنگ و رژیم، شعار می دادند "مرگ بر جنگ" و "رهبر پیرنی خوام، سیکار تیرنی خوام".

تبریز - مردم تبریز پس از بمبارانهای اخیر چند نفر از مزدوران رژیم را که معمولاً به سد از بمبارانها با لباس شخصی در محل حاضر می شوند و شعار جنگ، جنگ تا پیروزی سر می دهند را شنیدند کتک زده، فراری دادند و خودشان را دادند "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر صدام".

بروجرد - مردم بروجرد هنگام اعلام خاموشی شعار ضد جنگ و ضد خمینی می دهند. آنان تشییع جنازه کشته شدگان را بمبارانها یا اخیراً به محله اعتراض علیه جنگ و خمینی بدل ساختند و بسا شعارهای ضد رژیم مقتولین بمبارانها را تشییع کردند.

آذربایجان - مردم وکسبه محل علمدار بعنوان اعتراض به جنگ از دادن پول برای کمک به جبهه ها امتناع کردند. آنان مسئولین جناب آوری کمک به جبهه ها که از سوی امام جمعه اشخاص شده بودند را بدون دریافت دیناری وجه، دست خالی با زگردانند.

دزفول - مردم دزفول که به دنبال حملات متعدد موشکی رژیم جنایتکار عراق به بیابانهای اطراف شهر بنا برده اند در وضع بسیار اسفناکی بسر می برند. آنها علاوه بر مشکلات روزمره با گرمای طاقت فرسای هوا، عدم امکانات بهداشتی و درمانی، خطر مازگزدگی نیز روبرو هستند. زیرا بنیمه فشار و مشکلات جان مردم به لب آمده است. مردم دزفول خسته از جنگ و جنگ افروزان، علیه رژیم خمینی و جنگ خاموشی اعتراض می کنند و بر ضد جنگ و رژیم شعار می دهند.

گسترش اعتراض در ارتش

سرهنگ شکوه فرمانده لشکر "پیروزی" در عملیات بدر پس از شکست مفتضحانه ای که متجربه کشته شدن دهها هزار نفر و نهاد ما لشکر میگردید، طبعی سخنانی با ابراز اسفا اعلام داشت که او با ابتدا حمله که در واقع ضد کشتی محض بوده است، از ابتدا مخالفت نمود. ارگانهای ارتش بلافاصله بعد از این سخنرانی وی را دستگیر نمودند و توبیخ کردند. چند روز پس از این حادثه طبعی نماینده خمینی در خرابان با بیشرمی تمام در جلسه معارفه فرمانده "مکتبی" جدیدی را برای لشکر منهدم شده "پیروزی" تعیین معرفی نمود.

تشدید کنترلهای شبانه

گسترش فعالیتهای تبلیغاتی نیروهای انقلابی علیه رژیم جنگ افروزمخینی در اقصی نقاط کشور، مسئولین رژیم ضد مردمی حاکم را به تلاق و داشته است. آنان بزعیم خود تلاش می کنند با ایجاد محدودیتهای گوناگون از تبلیغات و افشاگری نیروهای انقلابی جلوگیری نمایند، ولی علیرغمی خواست آنها روز بروز بیروست و دامنه کار و تبلیغات انقلابی علیه رژیم افزوده می شود.

در تهران به گشتیهای شبانه بسج دستور داده شده که از ساعت ۱۰ شب به بعد افراد "مشکوک" جوانان اعم از ماشین سوار، موتور سوار و پیا درها مورد بازرسی بدنی قرار دهند.

در زنجان از طرف سپاه به کلیه مراکز بسج دستور تقویت گشتیهای شبانه داده شده و علت آنرا تشدید فعالیت فداییان اکثریت و سایر گروههای انقلابی قید نموده اند.

در علمدار (آذربایجان) از سوی مسئولین بسج به قهوه خانه ها دستور داده شده که از ساعت ۹ شب به بعد، قهوه خانه ها را ببندند و افراد "مشکوک" را راه ندهند. این تصمیم به دنبال گسترش فعالیت نیروهای انقلابی و افزایش بسبب شعارهای ضد حکومتی بر دیوارها و روستاها گرفته شده است.

ارگانهای امنیتی رژیم در سراسر کشور دستور داده اند که مراکز فروش و سایر لوازمات انتشاراتی تحت نظر گرفته شود و افراد "مشکوک" به ارگانهای مربوطه معرفی شوند.

در بعضی زمحلای جنوبی تهران کمیته ها و بسیج محله اقدام به ایجاد گشت شبانه و نگهبانی برای جلوگیری از شعار نویسی و پخش اوراق افشاگرانه علیه رژیم توسط نیروهای انقلابی نموده اند.

اعتصاب در واحدهای تولیدی کشور

کارگران کارخانه پشماف تهران در طول ماههای اردیبهشت و خرداد برای دریافت مطالباتشان دست به اعتصاب درازمدتی زدند. اعتصاب بخاطر دریافت حقوق معوقه آغاز شد. کارفرمای این کارخانه همواره از پرداخت بوقوع حقوق کارگران سر باز می زد. مذاکرات کارگران با کارفرما و شکایت وزارت کار نتوانست نتیجه ای بیار آوود. از این رو در اول اردیبهشت اعتصاب کارگران آغاز گردید و علیرغم دستاویس کارفرما و تشیبات وزارت کار تا هفته ادامه یافت. مداخله نفرات ارگانهای فرهنگ و ادامه کارخانه توسط پاسداران نیز نتوانست بر عزم انقلابی کارگران چیره شود. در برابر استواری کارگران کارفرما بالاخره مجبور به عقب نشینی شد و در خرداد ماه کارگران بخشهایی از حقوق خود را دریافت کردند.

در اول اردیبهشت ماه دویست تن از کارگران ما همگی شلیات جنوب در بندر بوئهنر اعلام اعتصاب کردند. آنها خواستار کاهش مدت کار ماهانه بر روی دریا و دریافت لباس و تجهیزات انفرادی صیادی بودند. علیرغم مداخله سپاه پاسداران اعتصاب تا ۱۱ روز به درازا کشید و تنها پس از برآورده شدن بخشی از مطالبات اعتصاب کنندگان پایان یافت.

در تیرماه کارکنان نیروگاه بندر عباس برای کسب مطالبات خویش مبارزه دلیرانه ای را پیش بردند. آنها در آغاز در اعتراض به اجحافات و تبعیضات موجود اقدام به کم کاری نمودند. وقتیکه با ادامه بی توجهی مسئولین مواجه شدند دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. تعداد زیادی از ۱۳۰۰ تن کارکنان این نیروگاه در اعتصاب شرکت جستند. تا تاریخ ارسال این خبر اعتصاب همچنان ادامه داشت. با توجه به کمبود سراسری برق در کشور، این اعتصاب مقامات دولتی را به شدت نگران ساخته است.

تخریب خانه زحمتکشان

در خرداد ماهه که محله تخریب شهرداری همراه با نفرات کمیته، به کسب قلعه حسن خان واقع در جاده قدیم کرج بوش بردند تا خانه های زحمتکشان این محله را ویران نمایند. در جریان این اقدام بربرمنشانه، ما مورین حکومت جمهوری اسلامی خانه های بسیاری را خراب کردند. در یکی از این خانه ها کودک خردسال یک خانواده کارگر کرج زیر آوار کرده و به قتل رساندند. مردم محله در برابر این اقدام جنایتکارانه واکنشی خنماگین نشان دادند که به بروز درگیریهای شدیدی با پاسداران منجر گردید.

در تیرماه ما مورین شهرداری و نیروهای انتظامی به محله فیروز آباد شهری حمله کردند. رژیم برای این حمله نیروهای زیادی را بسیج کرده بود. با این حمله خانه های بسیاری از زحمتکشان این محله فقیرنشین ویران گردید. مردم در برابر مهاجمین دست به مقاومت زدند. اما با واکنش سبانه ما مورین گروهی از مردم مجزوم و عده ای نیز دستگیر شدند.

ساواک ارتش در تکاپو

اداره "حفاظت و اطلاعات نیروهای مسلح" که ای رکن ۲ سابق ارتش، یعنی اداره جاسوسی و سرکوب ارتشیان آزادیخواه و معترض را گرفتار است، با روشهای فاشیستی و جاسوسی گماری می گویند هرگونه اعتراض پرسنل ارتش را سرکوب کند. مسئولین این اداره همه هفته روزهای پنشنشبه جهت سازماندهی و بررسی چگونگی خبرگیری و جاسوسی از پرسنل متفرقی و آزادیخواه و مخالف با جنگ، در ستاد مشترک، با اخستان رکن ۲ سابق تشکیل جلسه می دهند.

در این جلسات معمولاً آخوند محلاتی از سوی شورای نگهبان ارتجاع شرکت می جوید و برای مسئولین صحبت می کند. موضوع عمده بررسی و صحبت های مسئولین در این جلسات حول چگونگی دستگیری و سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی، گزارش گیری از فعالیت نیروهای انقلابی در ارتش، شیوه های مقابله با آنها، سنجنش رویه ها را فاشیستی در پرسنل بررسی و وضع فرماندهان، اما عا شایعات به نفع رژیم ویا برای شناسایی مبارزین و از این قبیل توطئه ها است.

در این جلسات همچنین آخرین شماره نشریات احزاب و سازمانهای انقلابی و مردمی برای آموزش شیوه های مقابله با افکار انقلابی آنها و جلوگیری از نفوذ آنها در میان پرسنل مورد بررسی قرار می گیرد.

تشدید تهاجمات رژیم به کردستان

در ادامه لشکرکشی به کردستان، نیروهای نظامی رژیم، بار دیگر از اوخر خرداد اوایل تیرماه دست به یورش جنایتکارانه ای علیه خلق کرد زدند و سواکها گریبان تازه ای بر کارنا مه سیاه خود افزودند. در جریان این تهاجمات، عده زیادی از هم میهنان مبارز کرد شهید و زخمی شده و بسیاری از ماکن مسکونی، شهرها و روستاها ویران شدند. در میان شهیدان تهاجمات اخیر رژیم، عده ای از کادرهای فعال حزب دموکرات کردستان نیز قتل شده اند. رژیم، هدف از این عملیات را "پاکسازی روستاهای مرزی و قطع ارتباط تدارکاتی" نیروهای خلق کرد اعلام داشته است.

جنايات رژيم، عليه خلق کرد از آغاز لشکرکشی ارتجاعی به کردستان هرگز قطع نشده است. با اینهمه و علیرغم استقرار دهها هزار نیروی مسلح در این بخش از میهن ما، یورشهای پی در پی و بمبارانهای وحشانه منطبق مستورنی شهرها و روستاها که منجر به از بین رفتن هزاران تن از هموطنان ستمدیده گردیده است، رژیم خمینی در دستيابی به هدفهای خود محصور نیست. خلق کرد توان مانده است. سنا هیان خمینی با اینکه هجوم خود را بر بخش اعظم کردستان گسترش داده اند، تنها، قادرند در پرتگاه توب و تانک حرکت کنند و عملاً در میان پایگاههای نظامی خود محصورند چرا که از هیچگونه حمایتی در میان مردم کرد برخوردار نیستند.

تهاجم وسیع نظامی اخیر رژیم، در شرایطی با چرا در آمدگی متناقضانه درگیریهای مسلحانه فاجعه بار را رقم زده است. حزب دموکرات قریباً نیمی از نیروی مبارز کرده است. ادامه این درگیریهای خونین بیش از همه موجب تشویق رژیم برای یورشهای وسیع تری به میازان خلق کرد می گردد. این درگیریها صرف نظر از انگیزه ها و مسببین آن، مستقیماً به مبارزه خلق کرد علیه رژیم آسیب های جدی وارد ساخت و بی شک بروحیه توده های مردم کردستان تیرات مخرب باقی می گذارد. سازمان ما، همانگونه که قبلاً اعلام داشته در پیما، آخرین کمیته مرکزی سازمان به خلق بیاخته گردنیز، نسبت به تلاشهای شرفرمانگانکه در صفوف نیروهای خلق کردها و زاده است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پس از شش سال همچنان گمان دارد که با توب و تانک و سایر خونی و ویرانی می تواند در فساد خلق طلبی خلق کرد را خاموش سازد. اما تجربه هفتاد سال نبرد نشان می دهد که مقاومت خلق کرد در دشوارترین شرایط ادامه خواهد یافت. امروز خروش خلق، در سراسر کشور طنین افکن شده است. اعتصابات کارگری و تظاهرات توده های ضد جنگ و ضد رژیم بطور شتابان گریه و به افزایش است. رژیم درحالی که همچنان به دربار تلاق مرگوار و جنگ دست و پا می زند و در چنین شرایطی برای خاموش کردن شعله های مبارزه در کردستان ناتوان تر می گردد.

در چنین شرایطی، بیش از هر زمان حفظ و گسترش جبهه مبارزه مردمی در کردستان حساسیت و اهمیت می یابد. نیروهای ترقیخواه و مبارز با دهرچسبه با قطعانه تر در این راه بگوشند. در اینجا با دیگری باید تا کید کردها تهاجم و همکاری نیروهای انقلابی و ترقیخواه، مقدمترین و موثرترین حلقه در تقویت و گسترش سنگرهای خلق علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

پیشگام منتشر شد

"پیشگام"، نشریه سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) از اول این ماه، همزمان با کار انتشار می یابد. انتشار نشریه "پیشگام" در راستای اجرای تصمیمات بلنوم میروما کمیته مرکزی سازمان است که برگسترش فعالیت در بین جوانان تا کید کردها است.

هدفتان انتشار نشریه "پیشگام" بسیج جوانان علیه رژیم جمهوری اسلامی، گسترش کار آفاکگری و سازماننگرانه در میان توده عظیم جوانان کشور و تبلیغ و ترویج برنامهموسساتی سازمان در میان آنهاست. انتشار نشریه "پیشگام" راه جوانان فدایی و همه جوانان مبارز را در پیش می گویم و اطمینان داریم که نشریه در انجام وظایف انقلابی خود موفق می گردد و سلاح برنده ای در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و در راه آرمانهای والای رنجبران خواهد بود.

نابودی حقوق زنان ایران در دهه زن!

مردوبی بهره از اغلب حقوق یک انسان آزاد است بسیاری از امتیازات برای زنان بکلی ممنوع شده راه رسیدن زنان به مسئولیتهای بالای سیاسی و حکومتی مسدود گشته است. بر همین پایه، در عرصه سیاسی به زنان حداکث نقش سیاهی لشکر و پشتیبان داده شده است. مورد استفاده مشخص رژیم از زنان، همانا جمع آوری راه و شرکت در تظاهرات و تهیه نیازهای جبهه های جنگ است.

تلاش رژیم برای تنزل موقعیت و حقوق زنان کانون خانوادگی نیز مظهری است دیگری از سیاستها و اقدامات آن است. از نظر رژیم اسلامی، مرد، خلیف خانه و زن کنیزی مطیع است که تنها وظیفه دار غذای خوب تهیه کند، فرزند بسا و مطیع لاسدست، جویهای مرد باشد. حتی حق زن برای غذا خوردن و لباس پوشیدن به مناسبت برده و اراوازمسر (یعنی همان هیولای نازیبا، زینبای که روحا نیند مرتجع ترسیم می کند) مشروط شده است. این واقعیت های هولناک و هزاران نمونه بیروند که دیگر از اعمال تبهکارانه رژیم خمینی، نه تنها با آخرین نمونه تبهکاری علیه زنان کشور ما در دهه زن، بلکه بدترین تراژدی قرن در رابطه با زنان است. بر همین پایه باید گفت که در هر یک از کنفرانسهای مشابه و در تظاهرات بین المللی برای دفاع از حقوق و موقعیت زن، حتی که برزنسا ایران می رود یا پدر مرکز توجه قرار گیرد، به بار حرمت زن، و بیخاطر حقوق زنان در سرتاسر جبهه تبهکاری رژیم جمهوری اسلامی علیه زنان ما، باید اماچ افشاکاری و اعتراض و مبارز بین المللی قرار گیرد.

در او خرداد ماه گذشته، کنفرانس جهانی بمناسبت پایان دهه زن درنا میروسی، پایتخت کنیا کتایش یافت. سازمان ملل متحد ده سال پیش سالیهایی ۱۹۷۵ - ۱۹۸۵ را با شعار "برابری، پیشرفت و صلح" دهه زن اعلام کرد. کنفرانس جهانی نایروسی که در آن نمایندگان بسیاری از کشورهای سازمانهای متعددی بین المللی شرکت کردند، دستاوردهای دهه زن را مورد بررسی قرار داد. سازمان ما برای اکتاد کردن کنفرانس نسبت به ستم هایی که طی این دهه، و بی نظیراخص توسط رژیم جمهوری اسلامی بر زنان ایران رفته است، و انعکاس میسازات قهرمانانه و حماسی زنان کشور ما در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در جریان انقلاب بهمین و در دفاع از حقوق خود، از طریق ارسال اسناد و مدارک لازم گوشیده است.

ده سال گذشته، برای زنان کشور ما سرشار از رویدادهای عظیم نیک و تلخ است. از یک سو، حماسه آفرینی های کم مانند زنان ما در دوران رشد جنبش و در جریان پیروزی انقلاب بهمین، و از سوی دیگر، فاجعه آفرینی های رژیم خمینی و پیمانسال شدن تمام و کمال حقوق زنان توسط این رژیم خونخوار، رویدادهای اصلی در رابطه با زنان کشور ما طی این مدت بوده است. اقدامات رژیم خمینی علیه حقوق و موقعیت زنان کشور ما در تمام عرصه ها سیاه است. در عرصه اقتصادی، اساس سیاست رژیم، جلوگیری از اشتغال زنان، بیرون راندن آنان از کارخانه ها و ادارها و موسسات گوناگون و زندان کردن آنها در محرابها و تاتاق خواب است.

در عرصه اجتماعی، اساس سیاست رژیم تنزل زن به موجودی فرودست و به نیمه انسانی وابسته به است. در عرصه اقتصادی، اساس سیاست رژیم، بیرون راندن زنان از اشتغال است. در عرصه اجتماعی، اساس سیاست رژیم، تنزل زن به موجودی فرودست و به نیمه انسانی وابسته به است.

درس پیروزی از شکست تلخ

به مناسبت سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد

کودتای ننگین ضلیمی و حتا بیکارانه ۲۸ مرداد ۳۲ که توسط "سیا" آمریکا و "اینستلیجنت سرویس" انگلستان و دربار فاسدیپلوی علیه مردم میهن ما طراحی و به اجرا گذاشته شد، یکی از سیاه ترین و خونبارترین رویدادهای تاریخ کشور ما است. هدف عاجل و فوری کودتا برکناری دولت دکتتر ممدق و برگرداندن دیکتاتوری دست نشانده دربار پهلوی بود. هدف اصلی و استراتژیک کودتا برکنار سرکوبی ایران اما جنبش فدا امپریالیستی و فدا رتجایی توده های مردم ایران بویژه سرکوب گشته تورا نسه حزب توده ایران پیشانگ طبقه کارگر و زحمتکشان ایران با شعار "ما با شما" "حاکمی" "حاکمیت و غیره" بود تا از این طریق، شرایط مساعد برای جبهه اول شروتهای کشور ما کلا فراهم گردد.

همزمان با انجام کودتا و بازداشت دکتتر ممدق و سقوط کابینه او، حکومت نظامی کودتاچیان مطابق نقشه حساب شده، با کید توری دهمشتان به سرکوب حزب توده ایران و سازمانهای آن پرداخته شد. در همسازستان مراحل اولیه، بیش از چهار هزار نفر از اعضاء حزب، زندانی و شکنجه شدند. نزدیک به ده هزار نفر از کارگران، تشدید و در بند گردیدند. دیری نپایید که خیرشهادت توده های هار و زیر شکنجه های وحشیانه و اعدام ها منتظر شد.

در شرایط اوج گیری جنبش ملی شدن نفت جبهه ملی ایران به رهبری دکتتر ممدق، علیرغم فقدان یک تشکل لازم، قدرت دولتی را به دست گرفت. شیوه مبارزه دکتتر ممدق شیوه ای رفمیستی و با اصطلاح "قانونی" بود که بر پایه سیاست موازنه منفی یعنی بهره گیری از تضاد امپریالیسم آمریکا و انگلستان در ایران، استوار بود. بورژوازی ملی ایران با ساس به توده های حامی سیاستی ضد استعماری و ترقی خواهانه انکاء نمی کرد و بهمین دلیل حمایتی گسترده توده، تشبیری اساسی در استراتژی "استفاده از تضادهای امپریالیستی و شیوه های رفمیستی و قانونی" جبهه ملی ایجاد نکرد. تنزل طبقه ای بورژوازی ملی دران زمان اما تاع اصلی پیشرفت و موفقیت های جنبش، در راه سرنگونی سلطنت و نابودی نفوذ و سلطه امپریالیستی در کشور ما بود. وجهی از منتهی این نیرو، عدم اتحاد و همکاری با حزب توده ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و دربار بود. حتا راست جبهه ملی ایران انکار را به کارگرفته و شرفرمانگانکی مسئول بود و از فرصتی برای هماهنگ ساختن خود با سیاست امپریالیسم آمریکا سود می جست. پس از کودتای تشنه بخش بسیار کوچکی از سزرا جبهه ملی در مواضع شناخته شده باقی مانده و در نتیجه بازداشت و به حاکمیت کشیده شدند که در میان آنان، دکتتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ممدق توسط کودتاچیان اعدام گردید. ما بخش اعظم سزرا جبهه ملی به ساخت

سالگرد اعتصاب کارگران ساسان

دوم مرداد ماه ۶۳ مصادف با اعتصاب سزرا کارگران کانادا در ای (شرکت ساسان) است. اعتصاب یکی از مهم ترین اعتصابات سال گذشته و نمودار برجسته ای از ایستادگی قهرمانانه کارکنان میهن ما در مقابل سیاستهای بنایت فضا رکس و ارتجاعی حاکمان ساسان جمهوری اسلامی بوده است. اعتصاب کارگران شرکت ساسان با خواسته های برج افزار دستمزدها، پرداخت با دای، افزایش تولید و اعتراض به گسرمشربخی از دستمزدها کارگران برای جنبش شروع شد. با ساداران ساسا به همه دستورا حاکم مرت آزادگی کش جمهوری اسلامی به کارگران اعتصاب هجوم آوردند، اما هجوم بر سر منشا نه آنها با مقا و یکپارچه و قهرمانانه کارگران مواجه شد. بطوریکه در نتیجه تیراندازی با ساداران ساسان چند نفر کشته و تعداد زیادی از کارگران زخمی و بیش از ۲۵۰ نفر از کارکنان مبارز دستگیر شدند که بسیاری از دستگیر شدگان مورد وحشیانه ترین شکنجه های قسرون و سلاب بودند. در همین در زندان قرار گرفتند.

سردمداران رژیم مرتجع و متک طلب جمهوری اسلامی تلاش داشتند، صدای حق طلبانه کارگران را به شیوه توسل به سرکوب و شکنجه و زندان خاموش سازند، تا شاید ما از گسترش جنبش اعتراض کارگران میهن ما شوند، اما وقوع بیش از اعتصاب کارگری پس از اعتصاب ساسان، بحمسو اعتبار بزرگ ذوب آهن افغان در او خرداد سزرا نشان داد که جنبش اعتراضی کارگران میهن ما رومه گسترش است. با اطمینان می توان گفت که کارگران و زحمتکشان ایران سرانجام راه نیک به صلح و استقلال و دموکراسی و عدالت اجتماع را خواهند گشود و طومار زندگی جمهوری اسلامی را پیچیده و در زیاده ان تاریخ خواهد انداخت.

آدرس: P.O. BOX 1081 WIEN AUSTRIA
مخاطبانی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARNER

پیش بسوی جبهه متحد خلق